

تحلیل نتایج رفتار (بخل، میانه روی، اسراف) بر اساس ادبیات اسلامی

منصور صادقی مال‌امیری *

دریافت مقاله: ۹۲/۷/۲۳

پذیرش نهایی: ۹۳/۴/۲۴

چکیده

این پژوهش با هدف مشخص کردن نتایج بخل، میانه‌روی و اسراف انجام پذیرفت. برای دستیابی به این مهم، مفاهیم بخل، میانه‌روی و اسراف بر اساس متون اسلامی مورد مطالعه قرار گرفت که حاصل آن دستیابی به نتایج هر کدام از رفتارهای بخیلانه، مسرفانه و میانه‌رو است. نتایج رفتارهای سه‌گانه در قالب یک الگوی سنجش چهار سطحی متشکل از مفاهیم (بخل، میانه‌روی و اسراف)، ابعاد (فردی - اجتماعی)، عوامل (دنیوی - اخروی) و شاخصها، سازماندهی شد. برای رفتارهای سه‌گانه، ۱۴۰ نتیجه به دست آمد. از نظر کمی، بخل ۳۱٪، میانه‌روی ۴۳٪ و اسراف ۲۶٪، نتایج را به خود تخصیص می‌دهد. از مجموع نتایج، ۸۳٪ فردی و ۱۷٪ اجتماعی است. هم‌چنین از مجموع نتایج، ۸۱٪ دنیوی و ۱۹٪ اخروی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نه تنها بیشتر نتایج هر کدام از رفتارهای سه‌گانه فردی است (بخل با نتایج فردی ۸۴٪، میانه‌روی با نتایج فردی ۸۲٪ و اسراف با نتایج فردی ۸۴٪)، بلکه همان‌طور که الگوی ساختاری تحقیق نشان می‌دهد، همه نتایج هر کدام از رفتارهای سه‌گانه چه در دنیا (تحت تأثیر نتایج دنیوی اجتماعی) و چه در آخرت (تحت تأثیر نتایج فردی دنیوی و نتایج اجتماعی اخروی) نهایتاً به خود فرد یعنی عامل رفتار بر می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: بخل و میانه‌روی و اسراف در زندگی فردی و اجتماعی، ابعاد فردی و اجتماعی اخلاق اسلامی، سبک زندگی اسلامی بر اساس اخلاق.

۱ - مقدمه

رفتار به عنوان سیستم، معطوف به آثار و نتایجی که به دست می‌دهد، قابل بررسی، تأمل و اندیشه است؛ یعنی از جمله معیارهایی که هر انسان خردمندی می‌تواند بر اساس آن تصمیم به ارتقا یا تنزل نوع خاصی از رفتار بگیرد، نتایج رفتار است.

در ادبیات رفتار سازمانی، رفتار از جنبه‌های مختلف نظیر «عملکرد»، «رضایت شغلی»، «ترک کار»، «غیبت»، «رفتار سیاسی»، «رفتار سازمانی مثبت‌گرا» و «رفتار شهروندی»، طبقه‌بندی و به بررسی آثار و نتایج آنها پرداخته شده است.

به طور کلی، رفتار موجب تأمین نیازها (هرسی و بلانچارد^۱، ۱۹۹۳) و دستیابی به پاداشهای درونی و برونی (هرسی و بلانچارد، ۱۹۹۳؛ مورهد و گریفین^۲، ۲۰۰۴) می‌شود. رفتار سازمانی نیز بر اثربخشی سازمان (گراهام^۳، ۱۹۹۴؛ رایینز، ۲۰۰۴) و رفاه فرد در سازمان تأثیر دارد (رایینز، ۲۰۰۴) و موجب افزایش اثربخشی سازمان و فرد می‌شود (هرسی و بلانچارد، ۱۹۹۳).

عملکرد بالا موجب افزایش رضایت، حقوق، ارتقا، تأیید سرپرستی، خستگی و فشار عصبی می‌شود (مورهد و گریفین، ۲۰۰۴). رضایت شغلی نیز موجب جابه‌جایی و غیبت کم (مورهد و گریفین، ۲۰۰۴) و افزایش بهره‌وری و عملکرد (جاج^۴ و همکاران، ۲۰۰۱)، رضایت مشتری و سودآوری سازمان (راسی^۵ و همکاران، ۱۹۹۸؛ کایس^۶، ۲۰۰۱)، وفاداری مشتری به سازمان (راسی و همکاران، ۱۹۹۸؛ گوینر^۷ و همکاران، ۱۹۹۸؛ کایس، ۲۰۰۱) و احساس مثبت در مشتری (گوینر و همکاران، ۱۹۹۸) می‌شود. ترک کار باعث افزایش هزینه‌ها (رایینز، ۲۰۰۴؛ وینترتون^۸، ۲۰۰۴؛ مورهد و گریفین، ۲۰۰۴)، کاهش کارایی و عملکرد (رایینز، ۲۰۰۴) و کاهش بهره‌وری و رضایت شغلی (وینترتون، ۲۰۰۴) می‌شود. غیبت کارکنان موجب افزایش هزینه‌ها (گایدین و ساکس^۹، ۲۰۰۱؛ دمبی^{۱۰}، ۲۰۰۴)، کاهش عملکرد (بایسیو^۱، ۱۹۹۲) و کاهش کارایی و سود سازمان (رایینز،

1 - Hersey & Blanchard

2 - Moorhead & Griffin

3 - Graham

4 - Judge

5 - Rucci

6 - Koys

7 - Gwinner

8 - Winterton

9 - Gaudine & Saks

10 - Demby

۲۰۰۴) می‌گردد. هم‌چنین رفتار سیاسی باعث قرار گرفتن منافع شخصی در زمره منابع سازمان، حداکثر کردن سهم از منابع، کسب منافع از طریق عدم اطمینان، تصمیم‌گیری محدود و پیگیری اهداف سیاسی در موقع تجدید سازمان می‌شود (مایلز^۲، ۱۹۸۰).

رفتار سازمانی مثبت‌گرا بر بهره‌وری و بهزیستی کارکنان (الوانی، ۱۳۹۱)، عملکرد (لوتانز،^a ۲۰۰۲، b، ۲۰۰۲؛ نلسون و کوپر^۳، ۲۰۰۷؛ یوسف^۴ و لوتانز، ۲۰۰۷)، رضایت شغلی و تعهد سازمانی کارکنان (یوسف و لوتانز، ۲۰۰۷) و رفاه سازمانی (بروکنر^۵، ۱۹۸۸؛ پیرس^۶ و همکاران، ۱۹۸۹؛ کاپیر و اولینگر^۷، ۱۹۸۹؛ پیرس و همکاران، ۱۹۹۳؛ تفارودی و سوان^۸، ۱۹۹۵؛ کارسون^۹ و همکاران، ۱۹۹۷؛ جکس و الاکیوا^{۱۰}، ۱۹۹۹؛ پیرس و گاردنر^{۱۱}، ۲۰۰۴؛ گاردنر و همکاران، ۲۰۰۴)، تأثیر مثبت دارد و موجب بهبود عملکرد فردی و سازمانی می‌شود (لوتانز و همکاران، ۲۰۰۴). البته امکان دارد رفتار سازمانی مثبت‌گرا، نتایج ناخوشایندی نیز در پی داشته باشد (لوپز^{۱۲}، ۲۰۰۴)؛ برای نمونه، رفتار سازمانی مثبت‌گرا می‌تواند به رفتارهای غیرواقعی و مخاطره‌آمیز، شکست، یأس و ناامیدی، برآورد نادرست زمان و توان لازم برای کار، تنشهای سازمانی، فشارهای سازمانی، کاهش کنترل‌های لازم و ادامه فعالیت‌های ناموفق، منجر شود (الوانی، ۱۳۹۱).

رفتار شهروندی سازمانی بر خروجیهای فردی (آلن و راش^{۱۳}، ۱۹۹۸؛ کوزس و پاسنر^{۱۴}، ۱۹۸۷؛ مکنتزی^{۱۵} و همکاران، ۱۹۹۹؛ مکنتزی و همکاران، ۱۹۹۱، ۱۹۹۳؛ پادسکاف و همکاران، ۱۹۹۳؛ لاوری و کریلوویکز^{۱۶}، ۱۹۹۴؛ بربر و رافکانین^{۱۷}، ۲۰۱۲) و سازمانی (کرامبایا^{۱۸}، ۱۹۹۰؛ آلن و راش،

-
- 1 - Bycio
 - 2 - Miles
 - 3 - Nelson & Cooper
 - 4 - Yusef
 - 5 - Brockner
 - 6 - Pierce
 - 7 - Kuiper & Olinger
 - 8 - Taffarodi & Swann
 - 9 - Carson
 - 10 - Jex & Elacqua
 - 11 - Gardner
 - 12 - Lopes
 - 13 - Allen & Rush
 - 14 - Kouzes & Posner
 - 15 - MacKenzie
 - 16 - Lowery & Krilowicz
 - 17 - Berber & Rofcanin

۱۹۹۸؛ پادسکاف و همکاران، ۱۹۹۷؛ مکنزی، پادسکاف و اهیرن^۲، ۱۹۹۶؛ والز و نیهاف^۳، ۲۰۰۰، پادسکاف و مکنزی، ۱۹۹۴؛ بربر و رافکانین، ۲۰۱۲)، تأثیر مثبت دارد؛ به این صورت که رفتار شهروندی سازمانی موجب جذب و نگهداری کارکنان خوب، ایجاد سرمایه اجتماعی (اورگان^۴ و همکاران، ۲۰۰۶)، افزایش رضایت شغلی (اورگان، ۱۹۸۸؛ فیدر و رایتر^۵، ۲۰۰۴؛ کو^۶، ۲۰۰۸؛ لی^۷ و همکاران، ۲۰۱۳؛ چانگ^۸ و چانگ^۹، ۲۰۱۰)، رضایت کارکنان (فیدر و رایتر، ۲۰۰۴)، عملکرد (پادسکاف و همکاران، ۲۰۰۹)، عملکرد سازمانی (مکنزی و همکاران، ۱۹۹۶؛ اورگان، ۱۹۸۸؛ آلن و راش^{۱۰}، ۱۹۹۸؛ پادسکاف و همکاران، ۱۹۹۷)، بهره‌وری (اورگان و همکاران، ۲۰۰۶؛ پادسکاف و همکاران، ۲۰۰۹)، اثربخشی سازمانی (پادسکاف و همکاران، ۲۰۰۰؛ ارهارت^{۱۱}، ۲۰۰۴)، کارایی، رضایت مشتری، کمیت عملکرد، کیفیت عملکرد، شاخصهای کارایی مالی و شاخصهای خدمات مشتری (پادسکاف و همکاران، ۲۰۰۰)، سودآوری (ارهارت، ۲۰۰۴)، موفقیت سازمانی (اورگان، ۱۹۸۸) و کاهش هزینه‌ها و میزان غیبت (پادسکاف و همکاران، ۲۰۰۹) و ترک کار (چن و همکاران، ۱۹۹۸؛ پادسکاف و همکاران، ۲۰۰۹)، می‌شود؛ ضمناً رفتار شهروندی سازمانی موجب تضاد میان کار و زندگی می‌شود و تنش شغلی را افزایش (بولینو و ترنلی^{۱۱}، ۲۰۰۵) می‌دهد.

هر چند پژوهشها در مورد رفتار و به‌ویژه آثار و نتایج آن از جنبه‌های مختلف قابل نقد و بررسی است، شاید بتوان گفت یکی از مهمترین این انتقادات، عدم توجه آنها به آموزه‌های وحیانی و به‌ویژه ادبیات اسلامی است؛ زیرا دین اسلام، نه تنها تکمیل‌کننده ادیان قبلی بوده و برای موفقیت و سعادت بشر دارای آموزه‌های جامعی است (مائده/ ۳؛ انعام/ ۳۸ و ۱۱۵؛ نحل/ ۸۹؛ کلینی، ۳۲۹، ج ۱: ۵۹ و ۶۱؛ رضی، خطبه ۱۸)، بلکه متناسب فطرت بشر است (روم/ ۳۵).

-
- 1 - Karambayya
 - 2 - Ahearne
 - 3 - Walz & Niehoff
 - 4 - Organ
 - 5 - Feather & Rauter
 - 6 - Ko
 - 7 - Lee
 - 8 - Chang
 - 9 - Allen & Rush
 - 10 - Ehrhart
 - 11 - Bolino & Ternley

با توجه به اینکه بر اساس ادبیات اسلامی، متغیرهای سه گانه «بخل»^۱، «میان‌روی»^۲ و «اسراف»^۳، بر اساس دو بُعد فردی و اجتماعی، انواع رفتار را در قالب پیوستار شکل می‌دهند (صادقی مال امیری، ۱۳۹۲) در این پژوهش سعی می‌شود آثار و نتایج رفتارهای بخیلانه، میان‌رو و مسرفانه بر اساس متون اسلامی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد تا هر فردی که متخلق به یکی از آنهاست، متوجه شود که چنین رفتاری در عرصه زندگی موجب چه نتایجی می‌شود تا بتوان رفتارهای مطلوب (رفتار میان‌رو) و نامطلوب (رفتارهای بخیلانه و مسرفانه) را بر اساس نتایج آنها شناسایی و بر این اساس وضع موجود و مطلوب رفتار را مشخص و رفتار را به سمت رفتار مطلوب، هدایت کرد. بر این اساس، پژوهش حاضر، به دنبال یافتن پاسخ سؤالات زیر است: (۱) رفتار بخیلانه، موجب شکل‌گیری چه نتایجی می‌شود؟ (۲) رفتار توأم با میان‌روی موجب شکل‌گیری چه نتایجی می‌شود؟ (۳) رفتار مسرفانه موجب شکل‌گیری چه نتایجی می‌شود؟

۲ - روش‌شناسی

تحقیق از نوع اکتشافی است؛ زیرا محقق درصدد اکتشاف نتایج رفتارهای سه گانه بخل،

^۱ - بخل، که نقطه مقابل اسراف است و به تفریط در رفتار اشاره دارد بر اساس دو متغیر «بخل فردی» و «بخل اجتماعی» سنجیده می‌شود. بخل فردی شامل استفاده کمتر از حد از اعضا و جوارح و منابع و امکانات و مصرف نکردن در جاهای لازم و متناسب توانایی است. بخل اجتماعی شامل نپرداختن واجبات از مال و درآمد (نظیر خمس و زکات) و نداشتن بخشش (بخشش برای خودنمایی، بخشش همراه با منت، بخشش را تلف دانستن و بخشش کم را اسراف پنداشتن) است (صادقی مال امیری، ۱۳۹۲).

^۲ - میان‌روی، که حد وسط بخل و اسراف است و به اعتدال در رفتار اشاره دارد بر اساس دو متغیر «میان‌روی فردی» و «میان‌روی اجتماعی» سنجیده می‌شود. میان‌روی فردی شامل استفاده از اعضا و جوارح و منابع و امکانات، کسب حلال (تلاش به میزان درآمد) و مصرف صحیح (مصرف در راه حلال و مصرف به اندازه) است. میان‌روی اجتماعی شامل پرداخت واجبات (نظیر پرداخت خمس و زکات) و بخشش (بخشش چیزهای مورد علاقه و خیر، منت نگذاشتن، بخشش پیش از درخواست، نداشتن انتظار بخشش متقابل، بخشش به اندازه، بخشش به مستحق و بخشش رضایتمندانه) است (صادقی مال امیری، ۱۳۹۲).

^۳ - اسراف، که به افراط در رفتار اشاره دارد بر اساس دو متغیر «اسراف فردی» و «اسراف اجتماعی» سنجش می‌شود. اسراف فردی به استفاده نابجا (اعضا و جوارح و منابع و امکانات)، مصرف غیر صحیح (مصرف در راه حرام و مصرف بیش از اندازه)، خرید و نگهداری چیزهای غیر لازم، دور ریختن وسایل قابل تعمیر و قابل مصرف و چیزهای زیانبار برای سلامت (پر خوری و مسکرات) اشاره دارد. اسراف اجتماعی شامل بخشش به افراد غیر مستحق (کسانی که قادر به کارند، اغنیا و عدم توجه به اولویت افراد مستحق از نظر نزدیکی) و بخشش بیش از اندازه (زیاده‌روی در بخشش نظیر بیش از توانایی خود و بیش از نیاز گیرنده و دادن همه چیز خود) است (صادقی مال امیری، ۱۳۹۲).

میان‌روی و اسراف در ادبیات اسلامی است. بر این اساس، معطوف به سؤالات تحقیق و با رویکرد اکتشافی، ادبیات اسلامی و به‌ویژه مبانی معتبر نظیر قرآن، نهج‌البلاغه و ... مورد مطالعه قرار گرفت و داده‌های مرتبط با نتایج رفتارهای سه‌گانه استخراج شد؛ حتی بر حسب وضعیت‌های ابهام‌آمیز در فرآیند پژوهش، بعضی از منابع نظیر قرآن چند بار مورد مطالعه قرار گرفت تا موقعیت نامعین تحقیق، هر چه بیشتر روشن شود، به این صورت که: (۱) داده‌های استخراج‌شده از ادبیات به سه دسته نتایج بخل، میان‌روی و اسراف تفکیک شد. (۲) در هر کدام از رفتارهای سه‌گانه، داده‌های واحد با منابع متعدد و متنوع با همدیگر تلفیق و ترکیب شد. (۳) داده‌ها با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا در قالب رفتارهای سه‌گانه با همدیگر ترکیب و هماهنگ شد. (۴) در قالب جمع‌بندی و نتیجه‌گیری، داده‌های رفتارهای سه‌گانه در قالب ابعاد فردی - اجتماعی و هر کدام از این ابعاد در قالب عوامل دنیوی - اخروی، سازماندهی و بر این اساس الگوی سنجش نتایج رفتارهای سه‌گانه ارائه شده است. (۵) الگوی سنجش تحقیق مبتنی بر کمیت نتایج هر کدام از رفتارهای سه‌گانه مورد تحلیل قرار گرفته است. (۶) هم‌چنین الگوی سنجش بر اساس کمیت منابع حمایت‌کننده از نتایج تحقیق، مورد تحلیل قرار گرفته است. (۷) الگوی ساختاری نتایج رفتارهای سه‌گانه ارائه شد که بیانگر روابط علی میان متغیرهای تحقیق است. (۸) رابطه بین رفتارهای سه‌گانه و نتایج آنها ارائه شد که از نظم و ساختاری منحنی شکل پیروی می‌کند. (۹) نهایتاً پیشنهاد‌های پژوهش، تنظیم شد.

۳ - یافته‌ها

یافته‌های تحقیق بر محور سؤالات سه‌گانه تحقیق، نظم و سازمان داده شده است.

۳ - ۱ - سؤال اول: رفتار بخیلانه، موجب شکل‌گیری چه نتایجی می‌شود؟

در بیان رسول خدا (ص)، اگر کسی در سرانجام کارها بنگرد از بخل خودداری می‌کند (رضایی، ۱۳۶۴: ۱۸۴)؛ زیرا همان‌طوری که خداوند هشدار می‌دهد، بخیلان در مسیر دشواری قرار می‌گیرند (لیل/۱۰) و به گفته حضرت امیر (ع)، بخل ورزیدن افساری است که انسان را به سوی هر بدی سوق می‌دهد (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۰: ۳۰۷؛ رضی، ۴۰۶، حکمت ۳۷۸؛ صدوق، ۳۸۱، حدیث ۸۴). به این صورت که بخیلان دچار بلای فراگیر الهی در آنچه بخل ورزیده‌اند، می‌شوند (قلم/۱۷-۲۶)، اموالی که نسبت به آن بخل ورزیده‌اند در روز قیامت به گردنشان زنجیر می‌گردد

(آل عمران/۱۸۰)، هلاک می‌شوند (لیل/۸-۱۱)، رستگار نمی‌شوند (حشر/۹؛ تغابن/۱۶)، عذاب خوارکننده نصیبشان می‌شود (نساء/۳۷)، در دل‌هایشان نفاق برقرار می‌شود (توبه/۷۷)، به زیان خود عمل می‌کنند (محمد/۳۸؛ بقره/۱۸۰) و گروهی دیگر جایگزین آنها (گرفتن نعمت‌ها) می‌شوند (محمد/۳۸). در این زمینه، که بخل موجب گرفتن نعمت‌ها می‌شود، امام حسین (ع) بیان می‌فرماید، اگر کسی مشکل و نیاز خود را با شما در میان گذاشت، ناراحت نشوید؛ بلکه این را لطفی از سوی خدای بدانید که به‌سوی شما جاری شده است. اگر بخل ورزیدید، خداوند این نعمت را از شما می‌گیرد و به دیگران می‌دهد (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲: ۳۶۹).

علاوه بر این، با توجه به گفته خداوند تبارک و تعالی مبنی بر اینکه افراد بخیل، دیگران را از رفتن به جنگ باز می‌دارند (احزاب/۱۸ - ۱۹) و مردم را به بخل امر می‌کنند (نساء/۳۷؛ حدید/۲۴)، می‌توان گفت که بخل افراد بخیل، موجب تشویق دیگران به بخل می‌شود. علامه طباطبایی در تفسیر آیات اخیر می‌نویسد، منظور در این جمله این نیست که بخیلان تنها با زبان، بلکه با روش عملی خود، مردم را به بخل وادار می‌سازند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۶۳). از این رو، حضرت امیر (ع) در نامه به مالک اشتر، می‌فرماید، بخیل را در مشورت خود راه نده که تو را از بخشش باز می‌دارد و از تهیدستی و فقر می‌ترساند (رضی، ۴۰۶، نامه ۵۳؛ آمدی، ۵۱۰، حدیث ۹۶۴۷).

در مجموع، همان‌طور که رسول اکرم (ص) و حضرت رضا (ع) می‌فرمایند بخیل از «خدا»، «خلق» و «بهشت» دور، اما به «آتش جهنم» نزدیک است (حر عاملی، ۱۱۰۴، ج ۷: ۱۳۰؛ شعیری، ۱۴۰۵: ۱۱۲؛ تهرانی، ۱۳۸۰: ۱۴۹).

یکی از کارکردهای بخل این است که به گفته امام صادق (ع)، انسان را از خدا دور می‌کند (کلینی، ۳۲۹، روایت ۵). در زمینه رابطه بین بخل و دوری از خداوند متعال، حضرت امیر (ع) بیان می‌فرماید، بینوا فرستاده خدا است و هرکس او را محروم برگرداند، خدا را رد و هرکس به بینوا عطا کند به خدا عطا کرده است (رضی، ۴۰۶، حکمت ۳۰۴). امام باقر (ع) به کسانی که از خرج کردن اموال در راه خداپسندانه بخل می‌ورزند، هشدار می‌دهد که چند برابر آن را در راه غیر خداپسندانه هزینه خواهند کرد (پابنده، ۱۳۸۲). رسول اکرم (ص) نتیجه می‌گیرند هر کس از پرداخت حق و حقوق (دیگران) خودداری کند در دشمنی با خدا است (حجازی، ۱۴۱۹: ۴۷۵). حضرت امیر (ع) بیان می‌کند، کسی که در رفاه باشد و سخت گیرد، خدا دشمنش می‌دارد (مشکینی، ۱۳۸۷: ۱۲۸) و حضرت رضا (ع) یادآور می‌شود که خداوند بخل را ناپسند می‌داند

(مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۷ و ۶۸: ۳۴۴). البته همان‌طور که امام علی (ع) یادآور می‌شود، هر چند بخل ناپسند است، از ثروتمندان ناپسندتر است (ابن حیون، ۱۳۸۹، ج ۱: ۸۳). هم‌چنین با توجه به گفته امام خمینی (ره)، که یکی از ارکان توکل دور بودن از بخل است (خمینی، ۱۳۸۸) و بخل به دلیل اینکه انسان را از توکل به خداوند باز می‌دارد، دور کننده انسان از خداوند است. امام علی (ع)، یکی از پنج ویژگی را که موجب می‌شود فرد در زمره صالحان قرار نگیرد، بخل می‌داند (آمدی، ۵۱۰، ج ۲: ۴۵۱) و امام باقر (ع) توصیه می‌کنند از بخل پرهیزید تا از بندگان با اخلاص خدا باشید (کلینی، ۳۲۹، ج ۴، روایت ۴).

رفتار بخیلانه موجب شکل‌گیری سیستمی بسته، جدای از مردم می‌شود؛ زیرا ماهیت این رفتار به‌گونه‌ای است که همه ارتباطات و تعاملات را از بین می‌برد (صادقی مال امیری، ۱۳۹۳)؛ برای نمونه رسول اکرم (ص) می‌فرماید از ما نیست کسی که به او توسعه مالی داده شده است، اما بر خانواده‌اش تنگ می‌گیرد (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵: ۲۵۶). هم‌چنین از امام رضا (ع) نقل شده است که فرمود بخیل از غذای مردم نمی‌خورد تا از غذای او نخورند (صدوق، ۳۸۱ b، ج ۲: ۱۲؛ ابن شعبه، قرن چهارم: ۳۳۲؛ مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۸: ۳۳۹)؛ با وجود این، از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که غذای بخیل درد است (فیض، ۱۰۹۱، ج ۶: ۶۱؛ مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۱: ۳۵۷). حضرت امیر (ع) نیز می‌فرمایند، بخل ملامت‌آور (ابن شعبه، قرن چهارم: ۸۰) و موجب دشمنی (آمدی، ۵۱۰، ج ۳: ۲۰۰) و باعث می‌شود بخیل هیچ دوستی نداشته باشد (آمدی؛ ۵۱۰، ج ۵: ۷۸) و حتی بین عزیزان خود نیز ذلیل باشد (آمدی، ۵۱۰، حدیث ۶۵۵۴). در این زمینه پروین اعتصامی (۱۳۲۰: ۴۶) به‌خوبی می‌سراید: توشه بخل میندوز که دود است و غبار سوزن کینه میرتاب که خنجر گردد.

لذا، حضرت امیر (ع) نتیجه می‌گیرد آن‌کس که دست دهنده خود را از بستگانش باز دارد، تنها یک دست را از آنها گرفته اما دستهای فراوانی را از خویش دور کرده است و کسی که پروبال محبت را بگستراند، دوستی خویشاوندانش تداوم خواهد داشت (رضی، ۴۰۶، خطبه ۲۳).

کارکرد دیگر بخل این است که فرد را از بهشت دور می‌کند و به گفته امام صادق (ع) به دوزخ درمی‌آورد (کلینی، ۳۲۹، روایت ۵). حضرت باقر (ع) بخل را درختی از درختان دوزخ می‌داند که شاخه‌های آن در دنیا آویخته است؛ هر کس که دارای صفت بخل باشد شاخه‌ای از آن را در دست می‌گیرد که او را به سوی دوزخ می‌کشاند (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۱: ۳۵۴؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۱: ۵۰۷). در حقیقت، همان‌طور که از رسول خدا (ص) روایت شده، کسانی که نبخشیدنشان

بخل است و احتکار کنند (رضایی، ۱۳۶۴: ۲۰۴) وارد جهنم می‌شوند (نراقی، ۱۲۰۹، ج ۲: ۱۱۰؛ رضایی، ۱۳۶۴: ۲۰۴). حتی امیر مؤمنان (ع)، ظالم را برتر از بخیل و نزدیکتر به بهشت می‌داند و توضیح می‌دهد که ظالم، گاه توبه می‌کند و اموال مردم را بر می‌گرداند، ولی بخیل به دلیل بخل از صدقه، زکات، صلہ رحم، مهمانداری و انفاق در راه خدا سر باز می‌زند و بهشت بر بخیل حرام است (طبرسی، قرن ششم، ج ۱: ۲۵۳). هم‌چنین حضرت، کافر سخاوتمند را نسبت به عابد بخیل به بهشت نزدیکتر دانسته است (مشکینی، ۱۳۸۷: ۴۷)؛ زیرا یکی از چهار چیزی که موجب استواری دین و دنیا است، بخشندگی است که در بخشش، بخل نوزد؛ هرگاه بی‌نیاز در بخشش بخل ورزد، تهیدست آخرت خویش را به دنیا فرود (رضی، ۴۰۶، حکمت ۳۷۲). البته، تهیدستی که بضاعت ناچیز خود را انفاق می‌کند بهتر از توانگری است که کمتر از تمکن، بخشش کند (مشکینی، ۱۳۸۷: ۵۷)؛ لذا امام صادق (ع) تأکید می‌کند از چیزهایی که به واسطه آن خدا بهشت را بر انسان واجب می‌کند، انفاق در حال تنگدستی است (کلینی، ۳۲۹، ج ۳، روایت ۲). پس به گفته حضرت امیر (ع) از عطا کردن اندک شرمگین مباش که ناامیدی از آن کمتر نیست (رضی، ۴۰۶، حکمت ۶۷).

به هر حال همان‌طور که در قرآن آمده است، هر کس بخل بورزد درباره خود بخل ورزیده؛ چرا که خدا بی‌نیاز است و شما نیازمندید (محمد/ ۳۸). در این زمینه، حضرت امیر (ع) می‌فرماید در شگفتی از بخیل؛ به‌سوی فقری می‌شتابد که از آن می‌گریزد و سرمایه‌ای را از دست می‌دهد که برای آن تلاش می‌کند. در دنیا چون تهیدستان زندگی می‌کند و در آخرت همانند سرمایه‌داران محاکمه می‌شود (رضی، ۴۰۶، حکمت ۱۲۶؛ آمدی، ۵۱۰، ج ۴: ۳۴۶، حدیث ۶۲۸۰). بر این اساس، امام صادق (ع)، بخیلان را بدترین معرفی می‌کند (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۷ و ۶۸: ۳۴۴ تا ۳۴۷)، امام هادی (ع)، بخل را مذمومترین اخلاق قلمداد (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۱: ۹۴) و در بیان حضرت امیر (ع) بخیل‌ترین مردم به مالش با سخاوتمندترین آنهاست به آبروی خود (آمدی، ۵۱۰: ۹۳). در نتیجه، رسول خدا (ص) و حضرت باقر (ع)، بخل را موجب هلاکت می‌دانند (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۹، حدیث ۳۷؛ نراقی، ۱۲۰۹، ج ۲: ۱۱۰؛ صدوق، ۳۸۱۸، حدیث ۸۴) و امام صادق (ع) بیان می‌کنند که فراوانی بیماری، یکی از نشانه‌های بخل است (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۴: ۲۱۰) و امام یادآور می‌شوند که برای بخیل راحتی نیست (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۰: ۳۰۰؛ صدوق، ۳۸۱۸، حدیث ۱۰) و کسی که از بخل پاک شود به شرف و افتخار نائل می‌شود (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷: ۲۲۹).

۳ - ۲ - سؤال دوم: رفتار همراه با میانه‌روی موجب شکل‌گیری چه نتایجی می‌شود؟

ارسطو، راه رسیدن به سعادت را، رعایت اعتدال می‌داند؛ به این صورت که فضیلت، حد وسط میان افراط و تفریط است. او معتقد است هر حالت روحی یک حد معین دارد که کمتر از آن و یا بیشتر از آن رذیلت است و خود آن حد معین، فضیلت است (مطهری، ۱۳۷۲). در کلام امام علی (ع)، راستگرایی و چپگرایی منشأ گمراهی، و راه درست همان راه میانه است (رضی، ۴۰۶، خطبه ۱۶؛ حکیمی و همکاران، ۱۳۷۱: ۴۹۸) و کتاب خدا که در میان ماست و آموزه‌های نبوت به همین راه دلالت می‌کند و طریق عمل به سنت پیامبر (ص) همین است و عاقبت نیکو در گرو پیمودن همین راه (حکیمی و همکاران، ۱۳۷۱: ۴۹۸). حضرت ادامه می‌دهند کسی که میانه‌روی را ترک کند از راه حق منحرف خواهد شد (رضی، ۴۰۶، نامه ۳۱). در بیان حضرت صادق (ع)، خداوند اعتدال و میانه‌روی را دوست دارد (عاملی، ۱۱۰۴، ج ۲۱: ۵۵۲؛ صدوق، ۳۸۱ا: ۲۳؛ صدوق، ۳۸۱ب: ۴۷۰) و خداوند به حضرت موسی، چون به رشد و تعادل (اعتدال) رسید، حکمت و دانش عطا کرد (قصص / ۱۴)؛ لذا رسول خدا مردم را به میانه‌روی فراخوانده است (متقی هندی، ۸۷۵، ج ۲-۳: ۲۸؛ دیلمی، ۵۰۹، ج ۱: ۲) و یادآور می‌شود، ملتی که میانه‌رو باشد، هرگز دچار تفرقه نخواهد شد (دیلمی، ۵۰۹، ج ۱: ۲) و خدای تعالی هرگاه ماندگاری و رشد امتی را بخواهد، اعتدال و پاکدامنی را روزیشان می‌کند (سیوطی، قرن دهم، ج ۳: ۲۷۰) و از حضرت روایت شده است که هیچ هزینه‌ای نزد خداوند از هزینه به‌اندازه نیاز بهتر نیست؛ پس خدا رحمت کند مؤمنی را که از راه صحیح و پاک هزینه خویش را درآورد و به‌اندازه کفاف و بدون زیاده‌روی خرج کند (صدوق، ۳۸۱c، ج ۳: ۱۵۵ و ج ۴: ۲۲۴). لذا حضرت علی (ع) به فرزندش وصیت می‌کند که اندازه نداشتن در زندگی موجب فقر است (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۷ و ۶۸: ۳۴۳ تا ۳۳۹) و امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) ضمانت می‌کنند کسی را که در معیشت خود میانه‌روی کند، فقیر نشود (صدوق، ۳۸۱c، ج ۲: ۲۳ و ۳۷۲). امیرالمؤمنین (ع) و حضرت صادق (ع) بیان می‌کنند شخص مقتصد و معتدل هرگز فقیر نمی‌شود (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۱۷: ۵۶ و ۱۸۶). علاوه بر این، به بیان رسول خدا (ص)، امیرالمؤمنین (ع) و حضرت صادق (ع) هر کس در زندگی اندازه داشته باشد خدا به او روزی می‌دهد (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۱۷: ۵۶؛ رضایی، ۱۳۶۴: ۱۷۰؛ کلینی، ۳۲۹، ج ۳، روایت ۳؛ مجدی، ۱۳۶۹: ۳۵۶؛ صدوق، ۳۸۱c، ۷۲۳/۳). به گفته پیامبر (ص) هر کس میانه‌روی داشته باشد، نیازمند نخواهد شد (غفاری، ۱۳۷۵: ۱۷۴) و خداوند او را بی‌نیاز می‌سازد (عطائی، ۱۳۶۹: ۲۷۳). در کلام

امام صادق (ع)، اقتصاد و میانه‌روی در زندگی مایه بی‌نیازی است (کلینی، ۳۲۹، ج ۳: ۸۲؛ حر عاملی، ۱۱۰۴، ج ۱۵: ۲۵۸) و چیزی را کم نمی‌کند (حر عاملی، ۱۱۰۴: ۳۸).

امیرالمؤمنین (ع)، اعتدال در کارها را موجب عدالت (آمدی، ۵۱۰: ۳۵۴)، آسانی در امور زندگی (آمدی، ۵۱۰، ج ۳: ۴۴۰) و افزایش ثروت می‌داند (آمدی، ج ۱: ۲۹؛ مشکینی، ۱۳۸۷: ۳۵۱؛ صدوق، ۳۸۱۵: ۶۷) و بیان می‌کنند میانه‌روی در معاش که نه اسراف باشد و نه تنگ‌گیری، موجب افزایش و برکت مال اندک می‌شود (خوانساری، ۱۱۲۵، ج ۱: ۱۳۹؛ ابن‌شعبه، قرن چهارم: ۸۰).

حضرت امیر (ع) به امام حسن (ع) یادآوری می‌کند که فرد میانه‌رو هرگز هلاک نشود (آمدی، ۵۱۰، ج ۵: ۷۰؛ ابن‌شعبه، قرن چهارم: ۸۰) به این صورت که هر کس میانه‌روی را نداند یا آن را خوب انجام ندهد، اسراف او را هلاک گرداند (خوانساری، ۱۱۲۵، ج ۵: ۲۵۰). هم‌چنین از حضرت باقر (ع) و پیامبر اعظم (ص) نقل شده است که یکی از چیزهایی که باعث نجات انسان می‌شود، اعتدال به هنگام ثروت و در موقع تهیدستی است (بن ابی فراس، ۶۰۵، ج ۱: ۱۶۷؛ قمی، ۱۳۱۹، ج ۲: ۴۳۱) و از علی (ع) است که یکی از مواردی که باعث می‌شود انسان حقیقت‌ایمان را بچشد، اندازه نیکو داشتن در زندگی است (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۷، ۶۸: ۳۴۳ تا ۳۳۹) و هر کس سلامت می‌خواهد پس باید میانه‌رو باشد (آمدی، ج ۵: ۲۲۶). هم‌چنین امام صادق (ع) تأکید دارند، اگر مردم در غذا خوردن اعتدال داشته باشند، بدنهایشان سالم می‌ماند (مراغی، ۱۳۸۱: ۱۴۵).

علاوه بر این، یکی از مصادیق میانه‌روی، بخشش به دیگران است. با توجه به نقش بخشش در تعالی انسان، خداوند می‌پرسد چرا در راه خدا انفاق نمی‌کنید در حالی که میراث آسمانها و زمین همه از آن خداست (حدید/ ۱۰) و بخشش موجب قرار گرفتن در مسیر آسانی (لیل/ ۷)، برگشت نتیجه به خود (بقره/ ۲۷۲؛ انفال/ ۶۰)، رسیدن به نیکوکاری (بقره/ ۱۹۵؛ آل‌عمران/ ۹۲)، منزلگاه نیکو (بهشت) (رعد/ ۲۲)، نیفکندن خویشتن به هلاکت (بقره/ ۱۹۵)، شفاعت (بقره/ ۲۵۴)، دوستی خدا (آل‌عمران/ ۱۳۴)، پیروی از دستور الهی (بقره/ ۲۶۸)، آمرزش (بقره/ ۲۶۸؛ آل‌عمران/ ۱۷)، پاداش مضاعف (حدید/ ۱۸؛ بقره/ ۲۶۸؛ نساء/ ۴۰)، فزاینده بودن نتیجه تا هفتصد برابر (بقره/ ۲۶۱)، پاداش عظیم الهی (نساء/ ۴۰؛ حدید/ ۷)، پاداش ارزشمند (حدید/ ۱۸)، خشنودی خدا و تثبیت روح خود (بقره/ ۲۶۵)، نداشتن ترس و غم (بقره/ ۲۶۲، ۲۷۴)، ذخیره‌سازی مزد نزد پروردگار (بقره/ ۲۷۴)، دفع بدی با خوبی (بقره/ ۲۷۱؛ رعد/ ۲۲؛ قصص/ ۵۴)، تجارتی بی‌زیان (فاطر/ ۲۹)، قرار

گفتن در زمره صالحان (مناققون / ۱۰)، تواضع (حج / ۳۴-۳۵)، حضور در حلقه عبدالرحمن (فرقان / ۶۲-۶۷)، تداوم و استمرار (محمد / ۳۸) و رستگاری (حشر / ۹؛ تغابن / ۱۶) می شود.

پیامبران و ائمه نیز به پیروی از ذات الهی بر اهمیت و ضرورت بخشش تأکید دارند و آن را تشویق و ترغیب کرده اند؛ برای مثال، پیامبر اکرم (ص) می فرماید خداوند بخشنده است و بخشش را دوست دارد (پاینده، ۱۳۸۲، ح ۶۹۰). حضرت صادق (ع) فرمود خداوند متعال دین اسلام را برای شما پسند نمود؛ شما هم با داشتن صفت سخاوت و خوی نیک، حق مصاحبت این دین را ادا کنید (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۷ و ۶۸: ۳۴۴ تا ۳۴۷)؛ اما تنها یک دسته از امت پیامبر به چنین اخلاقی تأسی جسته اند؛ زیرا همان طور که از رسول خدا (ص) روایت شده است، تنها دسته ای از سه دسته امتش، گردآوری مال را از پاکترین راه و بهترین وجه دوست دارند که با آن پیوند خویشاوندی می کنند، به برادرانشان نیکی و با آن به مستمندان کمک می کنند (رضایی، ۱۳۶۴: ۲۰۴). لذا پیامبر (ص) دستان را به سه دسته درخواست گر، انفاق گر و بسته، تقسیم می کند و بهترین را دستان انفاق گر می داند (حکیم، ۱۳۶۰: ۷۵۹) و تأکید می کند که دست دهنده از دست گیرنده بهتر است (مشکینی، ۱۳۸۷: ۳۷). حضرت صادق (ع) بیان می کند که بهترین شما سخاوتمندان شما هستند (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۷ و ۶۸: ۳۴۴ تا ۳۴۷) و از امام سجاد (ع) نقل شده است که فرمود بزرگوار به بخشش خود شادمان است و پست به اموال خود افتخار می کند (دیلمی، ۸۴۱: ۳۰۰؛ مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۸: ۱۶۱) و حضرت امیر (ع) می فرماید سخاوتمندان، بزرگان دنیا هستند (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۷ و ۶۸: ۳۴۴ تا ۳۴۷). حضرت ادامه می دهند بخشش و احسان، نگهبان حیثیت است (رضی، ۴۰۶، حکمت ۲۱۱؛ آمدی، ۵۱۰، ح ۳۳۳)، هر کس عطا کند به موقعیتی والا رسد (رضی، ۴۰۶، حکمت ۲۱۶) و بخشش موجب سروری (رضی، ۴۰۶، حکمت ۲۲۴) و بزرگی است (خوانساری، ۱۱۲۵، ج ۱: ۱۲۲) و با کرامت و بخشش است که ارزشها عظمت پیدا می کند (رضی، ۴۰۶، حکمت ۲۲۴) و گناهان پاک می شود (آمدی، ۵۱۰، ح ۱۷۳۸). به بیان حضرت، یکی از تمایزات بنی هاشم با سایر طوایف قریش، بخشندگی آنهاست؛ یعنی بخشاینده ترین قریش اند درباره هر چه در دست دارند (رضی، ۴۰۶، حکمت ۱۲۰). در این زمینه از رسول خدا (ص) روایت شد که فرمود هر کس از ما چیزی درخواست کند به او عطا می کنیم (کلینی، ۳۲۹، ج ۳: ۲۰۸).

در مجموع به بیان رسول خدا (ص) و امام رضا (ع)، شخص سخاوتمند به «خدا»، «مردم» و «بهشت» نزدیک و از «آتش» دور است (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۰: ۳۰۸). اهمیت سخاوت تا جایی

است که از رسول خدا (ص) روایت شده که، نزد خدا جاهل سخاوتمند از عابد بخیل محبوبتر است (نراقی، ۱۲۰۹، ج ۲: ۱۱۰؛ مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۰: ۳۰۸) و صفت کرم از صفت رحمت و مهربانی با ارزشتر است (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۷ و ۶۸) و حضرت یادآوری می‌کند هر کس درهمی در راه خدا بدهد، خداوند هفتصد حسنه برای او می‌نویسد (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۹۶: ۱۲۲).

کارکرد دیگر بخشش این است که در قالب سیستمی باز، محبت مردم را جلب می‌کند (صادقی مال امیری، ۱۳۹۳). به بیان امیرالمؤمنین (ع) بخشش، محبت مردم را جلب می‌کند (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۱۳: ۵۲۳) و باعث آشنایی می‌شود (مشکینی، ۱۳۸۷: ۳۵۱) و نزدیک‌کننده است (صدوق، ۳۸۱a: ۶۷)؛ لذا حضرت پیشنهاد می‌کند که برادرت را با احسان و نیکی، سرزنش کن و با بخشش و انعام، شر او را از خود دور کن (رضی، ۴۰۶، حکمت ۱۵۸). در ارتباط با دیگران؛ بخشش، غذای روح و جان است. در این زمینه از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است که فرمود خوراک جسمها، غذا خوردن و خوراک جانها، غذا دادن است (عطاردی، ۱۳۷۴: ۳۲۵؛ نوری، ۱۴۰۸، ج: ۸۶). پس در کلام پیامبر اکرم (ص)، سخاوتمند کسی است که هم می‌خورد و هم بخشش می‌کند (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۸ و ۲: ۳۵۸) و از امام رضا (ع) نقل شده است، سخاوتمند از غذای مردم می‌خورد تا مردم از غذای او بخورند (صدوق، ۳۸۱b، ج ۲: ۱۲؛ ابن‌شعبه، قرن چهارم: ۳۳۲؛ مجلسی، ۱۱۱۰/۳۳۹، ۷۸). البته بر اساس آنچه از رسول خدا (ص)، نقل شده است، غذا و سفره سخاوتمند دوا و درمان است (فیض، ۱۰۹۱، ج ۶: ۶۱؛ مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۱: ۳۵۷).

بخشش، فرد را به سوی بهشت سوق می‌دهد. رسول خدا (ص)، حضرت رضا (ع) و امام باقر (ع) بیان می‌کنند سخاوت درختی است که ریشه آن در بهشت و شاخه‌هایش در دنیاست؛ هر کس به شاخه‌ای از آن بیاویزد، او را به سوی بهشت می‌کشاند (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱: ۵۰۷؛ مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۰ و ۷۱: ۳۰۸ و ۳۵۴). علاوه بر این، رسول خدا (ص)، بهشت را خانه سخاوتمندان می‌داند (فیض، ۱۰۹۱، ج ۶: ۶۲؛ شعیری، ۱۴۰۵: ۱۳۱؛ عطاردی، ۱۳۷۴: ۲۲۹؛ ابی‌الفتح، قرن ششم، ج ۱: ۵۱؛ پاینده، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۷۴) و بیان می‌فرماید یکی از ویژگی‌هایی که باعث می‌شود خداوند فرد را در کنف حمایت خود جای دهد و بال رحمت خود بر او گستراند و او را وارد بهشت کند، این است که چون توان یابد، ببخشد (حکیم، ۱۳۶۰: ۷۶۷)؛ لذا حضرت به فردی که خدمتش آمد، فرمود از آنچه خدا به تو داده، ببخش تا خدا به سبب آن بهشتت برد (کلینی، ۳۲۹، ج ۳، روایت ۵). امام صادق (ع) نیز یکی از چیزهایی را که موجب ورود به بهشت می‌شود، انفاق کردن و

نترسیدن از فقر دانسته است (کلینی، ۳۲۹، ج ۳، روایت ۲). در این زمینه حضرت مهدی (عج) تأکید می‌کنند، بخشش کنید و تفریط نکنید که بخشش مانع نیاز شماس (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۱۳: ۵۲۳). علاوه بر این، همان‌طور که رسول خدا (ص) به عدی پسر حاتم طایی فرمود که عذاب پدرت به دلیل سخاوتش سبک شد (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۸: ۳۵۴)، بخشش موجب فاصله گرفتن از آتش دوزخ می‌شود. هم‌چنین رابطه بین سخاوت و مصیبت‌هایی که انسان دچار آنها می‌شود، توسط امام علی (ع) مورد بررسی قرار گرفته است، به این صورت که حضرت می‌فرمایند اگر سخاوت را در چهره فردی می‌دیدید او را زیبا می‌یافتید که بینندگان را شادمان می‌ساخت (آمدی، ۵۱۰: ۶۰۶) و سوگند به خداوندی که تمامی صداها وارد شنوایی او می‌شود، هیچ‌کسی در قلب انسانی، شادی به وجود نیاورد مگر اینکه خداوند از آن شادی لطفی می‌آفریند و هنگامی که به ایجادکننده شادی، مصیبتی فرود آید، آن لطف مانند آب که از سرایشی جاری می‌شود به سوی آن شخص جریان پیدا، و آن مصیبت را از او دور می‌کند (رضی، ۴۰۶، حکمت ۲۵۷).

۳ - ۳ - سؤال سوم: رفتار مسرفانه موجب شکل‌گیری چه نتایجی می‌شود؟

از دیدگاه رسول خدا (ص)، اگر کسی در سرانجام کارها بنگرد از اسراف خودداری می‌کند (رضایی، ۱۳۶۴: ۱۸۴)؛ زیرا به بیان حضرت امیر (ع)، سرانجام حرکت، بهشت یا دوزخ خواهد بود (رضی، ۴۰۶، نامه ۳۱: ۵۲۹) و در این میان، سرانجام اسراف و مسرفان، محرومیت از حب الهی (اعراف / ۳۱؛ انعام / ۱۴۱)، گمراهی به دلیل محرومیت از هدایت الهی (غافر / ۲۸ و ۳۴)، عذاب الهی (ذاریات / ۳۳ - ۳۴؛ یس، ۱۹-۲۹؛ انبیاء / ۹)، عذاب سخت‌تر و ماندگارتر (طه / ۱۲۷)، همدمی آتش (غافر / ۴۳)، هلاکت (الانبیاء / ۹) و برادری شیاطین و کفران نعمت (اسرا / ۲۷) است.

معصومین نیز به پیروی از آموزه‌های الهی بیان می‌کنند که سرانجام بدی در انتظار اسرافکاران است. معصوم (ع) بیان می‌کند که بعضی از اسرافکارانند که شفاعت ما به آنها نمی‌رسد (صدوق، ۳۸۵d). از نظر رسول خدا (ص)، خداوند اسراف و زیاده‌روی را دوست ندارد (صدوق، ۳۸۱c، ج ۴: ۲۲۴) و هر کس اسراف کند، خداوند او را فقیر (عطائی، ۱۳۶۹: ۲۷۳؛ صدوق، ۳۸۱c: ۷۵۵؛ غفاری، ۱۳۷۵: ۱۷۴) و ناامید کند (رضایی، ۱۳۶۴: ۱۷۰؛ کلینی، ۳۲۹، ج ۳، روایت ۳). در بیان حضرت امیر (ع)، اسراف منشأ فقر است (آمدی، ۵۱۰، ج ۱: ۱۲۲)؛ مشکینی، ۱۳۸۷: ۳۵۱؛

خوانساری، ۱۱۲۵، ج ۱: ۲۲۴)، مال بسیار را نابود (آمدی، ۵۱۰، ج ۱: ۹؛ ابن‌شعبه، قرن چهارم: ۸۰) و تباه کند (صدوق، ۳۸۱۵: ۶۷)، هر کس به دلیل اسراف به دیگران بنزد به دلیل نداری و فقر، خوار و کوچک گردد (آمدی، ۵۱۰، ج ۲: ۷۲۸)، چنانکه مسرفان می‌پندارند در هیچ اسراف شرفی نیست (خوانساری، ۱۱۲۵، ج ۵: ۸۶)، چه قدر ستم روا داشته است کسی که اسراف می‌کند (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۱۷) و بسیاری اسراف، هلاک می‌گرداند (خوانساری، ۱۱۲۵، ج ۴: ۵۷۳). البته حضرت یکی از علت‌های فقر را اسراف حاکمان قلمداد می‌کند و به مالک اشتر می‌نویسد همانا ویرانی در نتیجه تهیدستی و نیازمندی است و همانا مردم در نتیجه اسراف حاکم و بدگمانی به دوام او فقیر می‌شوند (ابن‌شعبه، قرن چهارم: ۱۲۸؛ رضایی، ۱۳۶۴: ۲۷۰). در بیان امام باقر (ع)، اسراف باعث فقر است (عاملی، ۱۱۰۴، ج ۱۵: ۲۵۸، ح ۸). در کلام امام صادق (ع)، اسراف مورد غضب و بغض الهی است (عاملی، ۱۱۰۴، ج ۲۱: ۵۵۲؛ صدوق، ۳۸۱۵: ۲۳، ۴۷۰)، اسراف موجب کاهش برکت می‌شود (کلینی، ۳۲۹، ج ۴: ۵۷؛ حر عاملی، ۱۱۰۴، ج ۱۰: ۲۶۱) و تبتیر و اسراف چیزی را باقی نمی‌گذارد (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۸) و موجب فقر و نیازمندی است (کلینی، ۳۲۹، ج ۳: ۸۲؛ نراقی ۱۲۴۵: ۶۱۸؛ کلینی، ۳۲۹، ج ۴: ۵۳). هم‌چنین در کلام امام کاظم (ع)، هر که اسراف کند، نعمت از دستش می‌رود (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۸: ۳۲۷). حضرت رضا (ع) نیز یادآور می‌شوند که خداوند متعال اسراف را ناپسند می‌داند (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۸: ۳۴۴) و اسراف و تبتیر از گناهان کبیره است (صابری، ۱۴۰۵: ۵۳۹؛ کلینی، ۳۲۹، ج ۳: ۳۹۳؛ نائجی، ۱۳۸۱: ۳۶۸). هم‌چنین امام خمینی با پیروی از آموزه‌های معصومین بر این عقیده‌اند است که با زندگی اشرافی و مصرفی نمی‌توان ارزشهای انسانی - اسلامی را حفظ کرد (حسنی، ۱۳۷۸: ۱۷۵) و هشدار می‌دهند که ما چه کنیم با بیت‌المال مسلمین؟ یک درهمش در آن طرف (آخرت) حساب دارد؛ زیاده‌روی شده باشد مجازات دارد. حضرت رضا (ع) توصیه می‌فرمایند، از لذت‌دنیوی نصیبی برای کامیابی خویش قرار دهید و تمنیات دل را از راه‌های مشروع برآورید؛ مراقبت کنید در این کار دچار اسراف نشوید. تفریح و سرگرمیهای لذت‌بخش شما را در اداره زندگی یاری می‌کند (فلسفی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۳۷) و امام موسی بن جعفر (ع) می‌فرماید برای خویش بهره‌ای از دنیا قرار دهید به طوری که به تمایلات نفسی حلال خویش پاسخ دهید؛ چیزهایی که موجب شکست شخصیت شما نمی‌شود و اسراف نیست (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۱۷: ۲۷۷). پیرو این آموزه‌های دینی است که امام صادق (ع)، اسراف نکردن را از ویژگیهای مؤمن می‌داند (صدوق، ۳۸۱۵: ۳۷۳).

یکی از انواع اسراف پرخوری است. اسراف از نوع پرخوری به شدت مورد سرزنش قرار گرفته است تا جایی که در کلام رسول خدا (ص)، هیچ ظرفی را انسان پر نکرده است بدتر از شکم (عطائی، ۱۳۶۹: ۱۰۳)، پرخورترین مردم در دنیا، گرسنه‌ترین آنها در آخرت است (عطائی، ۱۳۶۹: ۱۰۳؛ طوسی، ۴۶۰، ج ۱: ۳۵۶؛ مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۳: ۹۹؛ صابری، ۱۴۰۵: ۶۵۷)، مبعوض‌ترین افراد نزد خدا کسی است که فراوان می‌خوابد، زیاد می‌خورد و بسیار می‌آشامد (عطائی، ۱۳۶۹: ۱۰۸)، یکی از چیزهایی که بیشتر انسان را به جهنم می‌برد، شکم است (حجازی، ۱۴۱۹: ۷۱۸ و ۷۱۹) و هر کس چیزی را که مورد اشتهای اوست بخورد، خداوند به او نظر نمی‌کند تا اینکه دست از آن بکشد (صابری، ۱۴۰۵: ۵۳۹). از نگاه امام علی (ع)، دشمن آدمی شکم اوست (محقق داماد، ۱۰۴۱: ۲۰؛ آمدی، ۵۱۰: ۳۴۳) و نیکی از کسی که هدفش شکم است، دور است (آمدی، ۵۱۰: ۷۴۸). به بیان امام باقر (ع)، هیچ چیز نزد خدا مبعوضتر از پرخوری نیست (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۴۴۷؛ مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۶: ۳۳۶؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۳: ۸۰؛ فیض، ۱۰۹۱، ج ۵: ۱۵۰؛ کلینی، ۳۲۹، ج ۶: ۲۷۰)، دورترین مردم به خدا کسی است که شکمش پر باشد (نوری، ۱۴۰۸، ج ۳: ۸۰؛ مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۶: ۳۳۱) و برترین مردم، کم‌غذاترین آنهاست (نراقی، ۱۲۰۹، ج ۲: ۷). از نگاه امام صادق (ع)، پرخوری ناپسند است (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۶: ۳۳۵؛ کلینی، ۳۲۹: ۲۶۹)، خداوند، پرخوری را دشمن می‌دارد (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۶: ۴۰۷؛ مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۶: ۳۳۶)، دورترین حالت بنده از خدا، زمانی است که همت او تنها شکم باشد (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱: ۳۱۸؛ کلینی، ۳۲۹، ج ۲: ۳۱۹؛ مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۳: ۱۹) و برای دل مؤمن چیزی خطرناکتر از پرخوری نیست (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۳: حدیث ۳۳)؛ اما چرا این همه پرخوری مورد ملامت قرار گرفته است؟ شیطان در پاسخ به حضرت یحیی (ع) که از او پرسید در چه حال آدمی را بهتر توانی فریفت، گفت چون سیر بخورد (قاضی، ۴۵۴: ۴۸). در این زمینه امام سجاد (ع) (۹۵ ه.ق) در رساله حقوق بیان می‌کند که هنگام گرسنگی و تشنگی، مراقب باش که پرخوری موجب کسالت، تبلی، ضعف، سستی و دور ماندن از همه خیرات و خوبیهاست. به بیان حضرت امیر (ع)، کم‌خوری از پرهیزکاری است و پرخوری از اسراف (آمدی، ۵۱۰، ج ۱/ ۸۶) و موجب سنگدلی است (محقق داماد، ۱۰۴۱: ۲۱) و بر این اساس حضرت می‌فرماید بر شما باد به میانه‌روی در خوراکها که این کار از اسراف دورتر و برای تندرستی بهتر و برای عبادت، کمک‌کار بهتری است (آمدی، ۵۱۰، ج ۱: ۸۶). حضرت بیشتر توضیح می‌دهند که از عادت پرخوری بپرهیزید که این کار مایه دردها و

بیماریها است (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹، ج ۱، ح ۶۰۶) و هر که پایبند به پرخوری باشد، بیماریهایش زیاد شود (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹، ج ۱، ح ۶۲۰). در روایتی از امام رضا (ع) آمده است که هر دارویی باعث پیدایش مرض دیگری می شود و مفیدترین چیز برای بدن دست کشیدن از همه غذاهاست، مگر آنچه به آن نیاز است (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۵۹، حدیث ۱۸) و حضرت تأکید می کنند که اگر مردم حد میانه را در خوراک رعایت می کردند بدنهایشان پایدار می ماند (حکیمی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۴: ۲۱۵). هم چنین پیامبر اکرم (ص) راهنمایی می کند که هر کس خوراکش کم باشد، تندرست و قلبش صاف خواهد بود و آنکه خوراکش زیاد باشد، مریض و سخت دل خواهد بود (عطائی، ۱۳۶۹: ۱۰۳). هم چنین، امام صادق (ع)، اسراف را در چیزهایی می داند که مال را از بین ببرد و به بدن صدمه بزند (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۵: ۳۰۳). از این رو، پیامبر (ص) پرخوری را نابودگر دلها می داند و می فرماید دلهای خود را با بسیار خوردن و آشامیدن نمیرانید؛ زیرا دلها همچون گیاهان اگر بیش از اندازه آب بخورند، می میرند (نوری، ۱۴۰۸، ج ۳: ۸۰؛ حجازی، ۱۴۱۹: ۷۱۸ و ۷۱۹؛ عطائی، ۱۳۶۹: ۱۰۳). همان طور که حضرت امیر (ع) نیز بیان می کند درختان بیابانی در مقایسه با درختان باغی که در مصرف آب زیاده روی نمی کنند، چوبشان محکم تر و آتششان شعله ورتر و دیرتر خاموش می شود (رضی، ۴۰۶، نامه ۴۵)؛ لذا حضرت ادامه می دهد که از پرخوری دوری کنید که مایه تبلی نسبت به نماز می شود (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹، ج ۱، ح ۶۱۱). هم چنین پیامبر (ص) تأثیر پرخوری بر علم و اندیشه را به تصویر کشانده و بیان می کند که خداوند متعال می فرماید علم، حکمت و اندیشه را در کم خوری قرار دادم و مردم با شکم پر آن را طلب می کنند؛ پس چگونه آن را می یابند! (نراقی، ۱۲۰۹، ج ۲: ۷). در این راستا، لقمان نیز به فرزندش یادآور می شود که اگر معده، سرشار و پر باشد، نیروی اندیشه انسان به خواب می رود و قدرت تفکر و اندیشه کند و اعضای بدن نسبت به عبادت ناتوان می شود (فیض، ۱۰۹۱، ج ۵: ۱۵۱). از این رو است که رسول اکرم (ص)، کم خوری را عبادت می داند (فیض، ۱۰۹۱، ج ۵: ۱۴۶)، زیرا کسی که شکم خود را پر می کند، قدرت سیر در ملکوت را ندارد (فیض، ۱۰۹۱، ج ۵: ۱۴۶) و او را در عبادت دچار سستی می کند (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹، ج ۱، ح ۵۹۱). به قول سعدی (۷۹۲):

فرشته خوی شود آدمی به کم خوردن
وگر خورد چو بهایم بیوفتد چو جماد

حضرت عیسی (ع) نیز تأثیر منفی پرخوری بر عبادت را به بنی اسرائیل یادآور و می فرماید بنی اسرائیل! پرخوری نکنید که باعث پر خوابی می شود و هر کس پر خواب باشد، نماز کم

می‌خواند و هر که نماز کم بخواند از غافلان به شمار می‌رود (عطائی، ۱۳۶۹: ۱۰۴). لذا امام صادق (ع) بعد از بیان ضرورت غذا برای بقا، توصیه می‌کند هرگاه انسان نیاز به غذا دارد باید یک‌سوم شکم را برای خوردن، یک‌سوم را برای نوشیدن و یک‌سوم دیگر را برای تنفس قرار دهد (کلینی، ۳۲۹، حدیث ۹). علاوه بر این، زمانی که افراد در زمینه مصارف خود اسراف کنند، چیزی نمی‌ماند که به نیازمندان بخشند؛ برای مثال، حضرت رضا (ع) به فردی که سبب نیمه‌خورده‌ای را دور انداخت، فرمود، اگر شما بی‌نیاز هستید به افراد نیازمند در جامعه اطعام کنید (کلینی، ۳۲۹: ۲۹۷)؛ پس توجه شود که اسراف در مصارف، باعث عدم بخشش می‌شود.

البته در زمینه بخشش، اسراف نیز می‌تواند به‌وجود آید. بخشش به افراد غیر مستحق (ثروتمندان، کسانی که توانایی کار دارند و آنهایی که از نظر نزدیکی به بخشنده در اولویت نیستند) و زیاده‌روی در بخشش به‌نوعی اسراف به شمار می‌رود (صادقی مال امیری، ۱۳۹۲).

حضرت امیر (ع) هشدار می‌دهد آگاه باشید! بخشیدن مال به آنها که استحقاق ندارند، اسراف است که شاید در دنیا مقام بخشنده آن را بالا برد اما در آخرت پست خواهد کرد. در میان مردم ممکن است گرامیش بدانند؛ اما در پیشگاه خدا خوار و ذلیل است (رضی، ۴۰۶، خطبه ۱۲۶). در حقیقت همان‌طور که از رسول خدا (ص) روایت شده، آنهایی که بخشیدنشان، اسراف است، کسانی هستند که دنیا جلو دل‌هایشان را در اختیار می‌گیرد تا به دلیل گناهانشان آنان را وارد جهنم کند (رضایی، ۱۳۶۴: ۲۰۴). به بیان حضرت امیر (ع) هیچ‌کس مال خویش را در غیر راهی که خداوند فرموده است مصرف نکرد و به غیر اهلش نسپرد جز اینکه خدا از شکر و سپاس خود محرومش ساخت (ابن‌شعبه، قرن چهارم: ۱۷۰). حضرت سؤال می‌کند آیا طمع داری ثواب انفاق‌کنندگان را به تو بدهد در حالی که در ناز و نعمت قرار داری و تهیدستان و بیوه‌زنان را از آن نعمتها محروم کنی؟ (رضی، ۴۰۶، نامه ۲۱). پس اگر مستمندی را دیدی که توشه‌ات را تا قیامت می‌برد و فردا که نیاز داری به تو باز می‌گرداند، کمک او را غنیمت شمار و توشه را بر دوش او بگذار و اگر قدرت مالی داری بیشتر انفاق کن؛ زیرا ممکن است در روز رستاخیز در جستجوی چنین فردی باشی و او را نیابی (رضی، ۴۰۶، نامه ۳۱). حضرت می‌فرماید با رعایت این ویژگیها (کمک به نیازمندان) به شرف دنیا و درک فضیلت آخرت خواهید رسید (ابن‌شعبه، قرن چهارم: ۱۷۰؛ مفید، ۴۱۳: ۱۹۴ و ۱۹۵). البته از میان مستمندان و نیازمندان، آنهایی در اولویت‌اند که نزدیکتر به بخشنده هستند. امام صادق (ع) از پدر بزرگوارشان نقل می‌کنند که رسول خدا (ص)

فرمود در انفاق از افراد تحت تکفل خود شروع کن؛ هر کس نزدیکتر است مقدمتر است (ابن شعبه، قرن چهارم: ۳۲۷). در این راستا پیامبر اکرم (ص) روشن‌گری می‌کند که صدقه به خویشاوندان هم صدقه است و هم صلۀ‌رحم (مشکینی، ۱۳۸۷: ۶).

هم‌چنین از مصادیق اسراف، بخشش بیش از اندازه است؛ زیرا به بیان امام حسن عسکری (ع) هر که در بخشش، از حدّ ببرد، خدای تعالی نپسندد؛ زیرا که وی فقیر و محتاج دیگری گردد (قاضی، ۴۵۴: ۱۲). با توجه به این گفته باری تعالی که به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید نه دستهای خود را به گردن ببند که بخششی نداشته باشی و نه به کلی باز کن که بعد تهیدست بمانی و ملامت شوی (اسراء/۲۹)، می‌توان گفت اگر بخشنده به اندازه به نیازمند ببخشد به سایر نیازمندان نیز می‌تواند کمک کند. رسول اکرم (ص) نیز پیامد بخشش بیش از حد را یادآور می‌شود و می‌فرماید دسته‌ای از اتمم که دعایشان برای روزی، مستجاب نمی‌شود کسی است که خداوند به او ثروت داده و او با بخشش‌های زیاد آنها را از بین برده است (کلینی، ۳۲۹، ج ۴: ۶۵؛ مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۷ و ۶۸). بر این اساس، حضرت علی (ع) هشدار می‌دهند که اسراف نکن؛ زیرا بخشش اسرافکار مورد ستایش نیست و تنگدستی او هم مورد ترحم واقع نمی‌شود (آمدی، ۵۱۰: ۳۴).

۴ - جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هر نوع رفتار به‌عنوان یک سیستم، معطوف به نتایجی که به دست می‌دهد، قابل بررسی، تأمل و اندیشه است؛ یعنی یکی از روشهای توجیه ارتقا یا تضعیف رفتار، نتایجی است که نتیجه می‌دهد، لذا این پژوهش با هدف مشخص نمودن نتایج بخل، میانه‌روی و اسراف انجام پذیرفت. برای نیل به این مهم، مفاهیم بخل، میانه‌روی و اسراف بر اساس متون اسلامی مورد مطالعه و پژوهش قرار گرفت که حاصل آن دستیابی به نتایج هر کدام از رفتارهای بخیلانه، مسرفانه و میانه‌روی است.

۴ - ۱ - نتایج رفتارهای سه‌گانه به تفکیک مفهوم، ابعاد، عوامل و شاخصها: با رویکرد اکتشافی و بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا، نتایج اکتشاف شده از رفتارهای سه‌گانه در قالب چهار سطح از متغیرها شامل مفاهیم (بخل، میانه‌روی و اسراف)، ابعاد (فردی - اجتماعی)، عوامل (دنیوی - اخروی) و شاخصها به تفکیک منابع حمایتی، سازماندهی شد (جداول شماره ۱، ۲، ۳).

جدول شماره ۱: نتایج رفتار بخیلانه به تفکیک مفهوم، ابعاد، عوامل و شاخصها

مفهوم	ابعاد	عوامل	شاخصها	منابع
نتایج بخل - بخیل	دنیوی	دنیوی	پیروی نکردن از دستور الهی	اسراء / ۲۹
			پیروی از دستور شیطان	بقره / ۲۶۸
			محرومیت از شکر و سپاس الهی	ابن شعبه، قرن چهارم: ۱۷۰
			بخل نسبت به خود	محمد / ۳۸؛ آل عمران / ۱۸۰
			دور کردن دستهای فراوانی از خویش	رضی، ۴۰۶، خطبه ۲۳
			نخوردن از غذای مردم	صدوق، ۳۸۱ب؛ ابن شعبه، قرن چهارم؛ مجلسی، ۱۱۱۰
			خداوند نعمتها را می گیرد و به دیگران می دهد	محمد / ۳۸، نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲: ۳۶۹
			بلای فراگیر الهی در ناپودی آنچه بخل ورزیده	قلم / ۱۷-۲۶
			زندگی فقیرانه	رضی، ۴۰۶، حکمت ۱۲۶؛ آمدی، ۵۱۰، ج ۴: ۳۴۶
			تباهی رفتار به آسانی توسط خدا	احزاب / ۱۹
	فردی	فردی	نفاق در دلها	توبه / ۷۷
			بخششده نسبت به آبرویش	آمدی، ۵۱۰؛ ۹۳؛ مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۸: ۳۵۷
			بخیل نسبت به مالش	آمدی، ۵۱۰؛ ۹۳
			مفتخر به اموال خود	دیلمی، ۳۸۱؛ ۳۰۰؛ مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۸: ۱۶۱
			عداوت و دشمنی	آمدی، ۵۱۰، ج ۳: ۲۰۰
			ذلیل بودن بین عزیزان خود	آمدی، ۵۱۰، حدیث ۶۵۵۴
			نداشتن دوست	آمدی؛ ۵۱۰؛ ۷۸
			عدم دوستی نزدیکان به علت نداشتن صلهرحم	طبرسی، قرن ششم، ج ۱: ۲۵۳
			محروم شدن از مشورت دیگران	رضی، ۴۰۶، نامه ۵۳؛ آمدی، ۵۱۰، حدیث
			ملامت	ابن شعبه، قرن چهارم: ۸۰
اخروی	اخروی	راحت نبودن	صدوق، ۳۸۱د، ج ۱۰؛ مجلسی، ج ۷۰: ۳۰۰؛	
		فراوانی بیماری	مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۱۳: ۵۲۳؛ مجلسی، ج ۷۴: ۲۱۰	
		مذمومترین اخلاق	مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۱: ۹۴	
		تخلقی به اخلاق کافران	نساء / ۳۷؛ احزاب / ۱۹	
		قرار نگرفتن در زمره صالحان	منافقون / ۱۰؛ آمدی، ۵۱۰، ج ۲: ۴۵۱	
		قرار نگرفتن در زمره بندگان مخلص خدا	کلینی، ۳۲۹، ج ۴، روایت ۴	
		قرار نگرفتن جزء اهل بیت	نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵: ۲۵۶	
		بدترین افراد	مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۷ و ۶۸	
		بخل نسبت به خود	محمد / ۳۸؛ آل عمران / ۱۸۰	
		محاكمه در آخرت همانند سرمایه داران	رضی، ۴۰۶، حکمت ۱۲۶؛ آمدی، ۵۱۰، ج ۴: ۳۴۶	
اجتماعی	دنیوی	زنجیر شدن اموال به گردن	آل عمران / ۱۸۰	
		عذاب خوارکننده	نساء / ۳۷	
		عذاب بزرگ	قلم / ۱۷-۳۳	
		حرام شدن بهشت	طبرسی، قرن ششم، ج ۱: ۲۵۳	
		رستگار نشدن	تغابن / ۱۶؛ حشر / ۹	
	جهنم	نراقی، ۱۲۰۹؛ رضایی، ۱۳۶۴؛ کلینی، ۳۲۹؛ مجلسی، ۱۱۱۰؛ نوری، ۱۴۰۸		
	اخروی	دنیوی	تشویق و ترغیب (گفتاری و رفتاری) دیگران به بخل	نساء / ۳۷؛ حدید / ۲۴؛ احزاب / ۱۸-۱۹؛ رضی، ۴۰۶، نامه ۵۳؛ آمدی، ۵۱۰، ج ۹۶۴۷؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۶۳
			گرفتن یک دست از دیگران (احتکار سهم مستمندان)	رضی، ۴۰۶، خطبه ۲۳
			ناامیدی دیگران	رضی، ۴۰۶، حکمت ۶۷
			درد بودن غذا	مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۱: ۳۵۷؛ فیض، ۱۰۹۱، ج ۶: ۶۱
مردم از غذایش نمی خورند.			صدوق، ۳۸۱د، ج ۲: ۱۲؛ ابن شعبه، قرن چهارم: ۳۳۲	
تهی دست آخرت خویش را به دنیا فروشد.	رضی، ۴۰۶، حکمت ۳۷۲			
پیروی از رفتار بخیل آخرت خود را از دست می دهد.				

جدول شماره ۲: نتایج رفتار میان‌رویی به تفکیک مفهوم، ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها

مفهوم	ابعاد	عوامل	شاخصها	منابع
نتایج میان‌رو ی - میان‌رو	فردی	دنیوی	پیروی از دستور الهی	اسراء/ ۲۹؛ بقره/ ۲۶۸
			آسانی در امور زندگی	آمدی، ۵۱۰، ج ۳، ۴۴۰
			دفع بدیها با خوبیها	بقره/ ۲۷۱؛ رعد/ ۲۲؛ آمدی، ۵۱۰، ج ۵، ۱۷۳۸
			دور کننده مصیبت از فرد	رضی، ۴۰۶، حکمت ۲۵۷
			دور کننده شر دیگران	رضی، ۴۰۶، حکمت ۱۵۸
			تداوم و استمرار نعمت‌ها	محمد، ۳۸؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ۳۶۹
			مایه بی‌نیازی	غفاری، ۱۳۷۵؛ مجلسی، ۱۱۱۰؛ صدوق، ۳۸۱۵؛ مجلسی، ۱۱۱۰؛ کلینی، ۳۲۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹
			خدا روزی دهد و بی‌نیاز سازد.	مجلسی، ۱۱۱۰؛ رضایی، ۱۳۶۴؛ کلینی، ۳۲۹، ج ۳؛ مجدلی، ۱۳۶۹؛ صدوق، ۳۸۱۵، ج ۳؛ عطائی، ۱۳۶۹
			افزایش ثروت	آمدی، ج ۱؛ مشکینی، ۱۳۸۷؛ صدوق، ۳۸۱۵؛ خوانساری، ۱۱۲۵، ج ۱؛ ابن‌شعبه، ۴؛ مجلسی، ۱۱۱۰
			برکت مال اندک	خوانساری، ۱۱۲۵، ج ۱؛ ابن‌شعبه، ۴؛ حکیم، ۱۳۶۰
			ماندگاری و رشد	سیوطی، قرن دهم، ج ۳، ۲۷۰
			عبادت بهتر	آمدی، ۵۱۰، ج ۱؛ ۸۶
			چشمیدن حقیقت ایمان	مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۷
			تحکیم ایمان خود	بقره/ ۲۶۵
			حکمت و دانش	قصص/ ۱۴؛ نراقی، ۱۲۰۹، ج ۲، ۷
			دوستی و نزدیکی به مردم	صدوق، ۳۸۱۵؛ ۶۷؛ مجلسی، ۱۱۱۰؛ مشکینی، ۱۳۸۷
			تداوم دوستی خویشاوندان از طریق صلح‌رحم	رضی، ۴۰۶، خطبه ۲۳؛ رضایی، ۱۳۶۴؛ مشکینی، ۱۳۸۷
			جلب محبت مردم	مجلسی، ۱۱۱۰، ۱۷، ۵۲۳/۱۳
			خوردن از غذای مردم	صدوق، ۳۸۱۵، ج ۲؛ ابن‌شعبه، ۴؛ مجلسی، ۱۱۱۰
			تأمین غذای جسم	عطاردی، ۱۳۷۴؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۳؛ مجلسی، ۱۱۱۰
			سلامت و تندرستی	آمدی، ۵۱۰؛ آمدی، ۵۱۰؛ مجلسی، ۱۱۱۰؛ حکیمی و همکاران، ۱۳۷۱؛ عطائی، ۱۳۶۹؛ مراغی، ۱۳۸۱
			تأمین غذای روح و جان (بخشش)	عطاردی، ۱۳۷۴؛ نوری، ۱۴۰۸؛ مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۲
			مفتخر به بخشش (و میان‌رویی) خود	دیلمی، ۳۰۰؛ ۸۴؛ مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۸؛ ۱۶۱
			عدالت	آمدی، ۵۱۰؛ ۳۵۴
			وحدت و یکپارچگی	دیلمی، ۵۰۹، ج ۱؛ ۲
			رقت قلب	عطائی، ۱۳۶۹؛ ۱۰۳
			تخلق به اخلاق الهی	پابنده، ۱۳۸۲، ج ۶۹۰
			تخلق به اخلاق پیامبران	مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۸؛ ۳۵۵؛ رضایی، ۱۳۶۴؛ ۲۰۴
			تخلق به اخلاق بنی‌هاشم	رضی، ۴۰۶، حکمت ۱۲۰
			تخلق به اخلاق نیکوکاران	آل‌عمران/ ۹۲؛ بقره/ ۱۷۷
			تخلق به اخلاق صالحان	منافقون/ ۱۰
			تخلق به اخلاق مخلصان	کلینی، ۳۲۹، ج ۴، روایت ۴
			تخلق به اخلاق عباد رحمان	فرقان/ ۶۲-۶۷
			تخلق به اخلاق متواضعان	حج/ ۳۴-۳۵
			تخلق به اخلاق متوکلان	شورا/ ۳۸
			تخلق به اخلاق مؤمنان	انفال/ ۲، ۳؛ شورا/ ۳۸؛ صدوق، ۳۸۱۵؛ ۳۷۳
			تخلق به اخلاق خردمندان	رعد/ ۲۲
			شرف دنیا	ابن‌شعبه، قرن چهارم؛ ۱۷۰؛ مفید، ۴۱۳؛ ۱۹۴ و ۱۹۵
			بزرگی	مجلسی، ۱۱۱۰؛ خوانساری، ۱۱۲۵؛ رضی، ۴۰۶
			بهترین افراد	مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۷ و ۶۸؛ ۳۴۴-۳۴۷

ادامه جدول شماره ۲: نتایج رفتار میانه‌روی به تفکیک مفهوم، ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها

مفهوم	ابعاد	عوامل	شاخص‌ها	منابع
نتایج میانه‌رو ی - میانه‌رو	فردی	اخروی	درک فضیلت آخرت	ابن‌شعبه، قرن چهارم: ۱۷۰؛ مفید، ۴۱۳: ۱۹۴ و ۱۹۵
			آمزش الهی	بقره/ ۲۶۸
			پاداش مضاعف (نسبت به عملکرد میانه‌روی)	بقره/ ۲۷۲؛ ۲۶۵، ۲۶۸، ۲۶۱؛ انفال/ ۶۰؛ حدید/ ۱۸، ۱۱؛ قصص/ ۵۴؛ نساء/ ۴۰؛ رزی، ۴۰۶؛ مجلسی، ۱۱۱۰
			نجات	بقره/ ۱۹۵؛ بن ابی‌فراس، ۶۰۵؛ ج ۱؛ مجلسی، ۱۱۱۰؛ قمی، ۱۳۱۹؛ ج ۲؛ آمدی، ۵۱۰، ۵۱۰؛ ج ۵؛ ابن‌شعبه، ۴
			دوری از آتش	مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۷ و ۶۸؛ ۳۴۸-۳۴۹
			سبکی عذاب	مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۸؛ ۳۵۴
			عاقبت و سرانجام نیکو و خیر	رعد/ ۲۲؛ حکیمی و همکاران، ۱۳۷۱؛ ۴۹۸
			رستگاری	تغابن/ ۱۶؛ حشر ۹
			بهشت	کلینی، ۳۲۹، ج ۳؛ حکیم، ۱۳۶۰؛ شعیری، ۱۴۰۵؛ عطاردی، ۱۳۷۴؛ پاینده، ۱۳۸۲؛ نوری، ۱۴۰۸؛ مجلسی، ۱۱۱۰؛ مجلسی، ۱۱۱۰؛ فیض، ۱۰۹۱؛ فیض، ۱۰۹۱
	اجتماعی	دنیوی	تشویق و ترغیب (گفتاری و رفتاری) به میانه‌روی	
			عظمت یافتن ارزشها	رضی، ۴۰۶، حکمت ۲۲۴
			کمک به مستمندان	رضایی، ۱۳۶۴؛ ۲۰۴
			نیکی به دیگران	رضایی، ۱۳۶۴؛ ۲۰۴
			شادمانی و خوشحالی دیگران	آمدی، ۵۱۰؛ ۶۰۶
			دوا و درمان بودن غذا	فیض، ۱۰۹۱، ج ۶؛ ۶۱
			مردم از غذایش می‌خورند.	صدوق، ۳۸۱۵؛ ابن‌شعبه، ۴؛ مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۸
			امیدواری دیگران	رضی، ۴۰۶، حکمت ۶۷
			استواری دنیای دیگران	رضی، ۴۰۶، حکمت ۳۷۲
			کمک به استواری آخرت تهیدستان	رضی، ۴۰۶، حکمت ۳۷۲
اخروی		به پیروی از رفتار میانه‌رو آخرت خود را تثبیت می‌کند	-	

جدول شماره ۳: نتایج رفتار مسرفانه به تفکیک مفهوم، ابعاد، عوامل و شاخص‌ها

مفهوم	ابعاد	عوامل	شاخص‌ها	منابع
نتایج اسراف - مسرف	فردی	دنیوی	پیروی نکردن از دستور الهی	اسراء/ ۲۹
			راحت‌تر فریفته شدن توسط شیطان	قاضی/ ۴۵۴؛ ۴۸
			برادر شیاطین	اسراء/ ۲۷
			ناسپاسی و کفران نعمت	اسراء/ ۲۷
			سلب محبت الهی	اعراف/ ۳۱؛ انعام/ ۱۴۱؛ صدوق، ۳۸۱۵؛ ۲۲۴/ ۴
			گمراهی به دلیل محرومیت از هدایت الهی	غافر/ ۲۸ و ۳۴
			دور ماندن از همه خیرات و خوبیهاست.	آمدی، ۵۱۰، ج ۱؛ ۸۶
			محرومیت از شکر و سپاس الهی	ابن‌شعبه، قرن چهارم: ۱۷۰
			تنبلی و سستی در عبادت و نماز	فیض، ۱۰۹۱، ج ۵؛ عطائی، ۱۳۶۹؛ محمدی، ۱۳۷۹
			غفلت	عطائی، ۱۳۶۹؛ ۱۰۴
			نداشتن قدرت سیر در ملکوت	فیض، ۱۰۹۱، ج ۵؛ ۱۴۶
			متخلقی به اخلاق فرعونیان	یونس/ ۸۳
			قرار نگرفتن جزء مؤمنان	صدوق، ۳۸۱۵؛ ۳۷۳
			کاهش برکت	کلینی، ۳۲۹؛ ج ۴؛ ۵۷؛ حر عاملی، ۱۱۰۴، ج ۱۰؛ ۲۶۱
خداوند فقیر کند	عطائی، ۱۳۶۹؛ ۲۷۳؛ صدوق، ۳۸۱۵؛ غفاری، ۱۳۷۵			

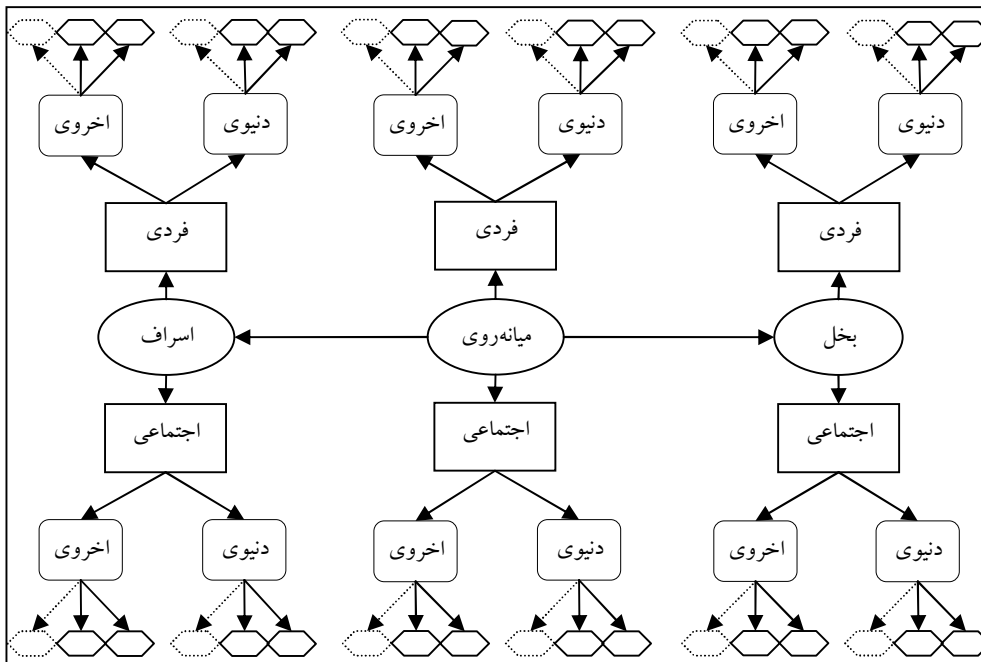
ادامه جدول شماره ۳: نتایج رفتار مسرفانه به تفکیک مفهوم، ابعاد، عوامل و شاخصها

مفهوم	ابعاد	عوامل	شاخص‌ها	منابع
نتایج اسراف - مسرف	فردی	دنیوی	عذاب الهی	ذاریات/ ۳۳ - ۳۴: یس/ ۱۹-۲۹: انبیاء/ ۹: مجلسی، ۱۱۱۰: مجلسی، ۱۱۱۰: صدوق، ۳۸۱۸: برقی، ۱۳۷۱: نوری، ۱۴۰۸، ج ۳: فیض، ۱۰۹۱، ج ۵: کلینی، ۳۲۹: عطائی، ۱۳۶۹: خوانساری، ۱۱۲۵: خوانساری، ۱۱۲۵
			فقر و نیازمندی و زوال نعمت	اسراء/ ۲۹: حر عاملی، ۱۱۰۴: کلینی، ۳۲۹، ج ۴: کلینی، ۳۲۹، ج ۳: مشکینی، ۱۳۸۷: خوانساری، ۱۱۲۵، ج ۱: آمدی، ۵۱۰، ج ۱ و ۹: آمدی، ۵۱۰، ج ۲: قاضی، ۴۵۴: نراقی، ۱۲۴۵: صدوق، ۳۸۱۸: ابن‌شعبه، ۴: مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۸
			خواری به دلیل فقر	آمدی، ۵۱۰، ج ۲: ۷۰۹ و ۷۲۸
			عدم استجاب دعا برای دریافت روزی	کلینی، ۳۲۹، ج ۴: ۶۵: مجلسی، ۱۱۱۰، ۶۷ و ۶۸
			ملاست فقرا	اسراء، ۲۹
			کسالت، تبیلی و ضعف	آمدی، ۵۱۰، ج ۱: ۸۶
			مریضی و بیماری	عطائی، ۱۳۶۹: ۱۰۳: مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۵: ۳۰۳: محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹، ج ۱، ح ۶۰۶ و ج ۶۲۰
			سنگدلی	محقق داماد، ۱۰۴۱: ۲۱: عطائی، ۱۳۶۹: ۱۰۳
			مردن دل	نوری، ۱۴۰۸، ج ۳: ۸۰: حجازی، ۱۴۱۹: ۷۱۸-۷۱۹: عطائی، ۱۳۶۹: ۱۰۳
			کُند شدن قدرت تفکر و اندیشه	فیض، ۱۰۹۱، ج ۵: ۱۵۱
			کاهش علم و حکمت	نراقی، ۱۲۰۹، ج ۲: ۷
			امکان گرامی داشته شدن توسط مردم	رضی، ۴۰۶: خطبه ۱۲۶
			پستی در آخرت و خوار و ذلیل در پیشگاه خدا	رضی، ۴۰۶: خطبه ۱۲۶
			اخروی	اخروی
عذاب سخت‌تر و ماندگارتر	طه، ۱۲۷			
اهل آتش (جهنم)	غافر/ ۴۳: رضایی، ۱۳۶۴: ۲۰۴			
تشویق و ترغیب (گفتاری و رفتاری) به اسراف	شعرا/ ۱۵۱			
اجتماعی	اجتماعی	دنیوی	ضایع نمودن سهم مستمندان	کافی، ۶ ص ۲۹۷
			فقر مردم	ابن‌شعبه، قرن چهارم: ۱۲۸: رضایی، ۱۳۶۴: ۲۷۰
			فساد در زمین و عدم اصلاح	شعرا، ۱۵۲
اخروی	اخروی	اخروی	تهی‌دست آخرت خویش را به دنیا فروشد.	-
			به پیروی از رفتار مسرف آخرت خود را از دست می‌دهد	-

مقایسه نتایج رفتار در ادبیات جاری رفتار سازمانی و نتایج رفتار استخراج شده از ادبیات اسلامی (جدول شماره ۱، ۲، ۳) بیانگر این است که در رفتار سازمانی جاری تحت تأثیر عقلانیت ابزاری، نتایج رفتار محدود به دنیا و آن هم بعضی جنبه‌های بُعد مادی آن، به‌ویژه سودآوری سازمان شده است، حال اینکه در رفتار مبتنی بر ادبیات اسلامی، نتایج رفتار به‌طور وسیع و فراگیر ابعاد فردی - اجتماعی و دنیوی - اخروی (۱۴۰ نتیجه) را پوشش می‌دهد و نتایج دنیوی توأمأ نتایج معنوی و

مادی را دربر دارد. اصولاً با توجه به تقسیم‌بندی رفتار در قالب پیوستار از بخل (تفریط)، میانه‌روی تا اسراف (افراط) و اینکه می‌توان عمده رفتارها را در قالب این پیوستار جای داد، نتایج چنین دیدگاه سیستمی به‌طور وسیع و فراگیر، عمده نتایج رفتار را پوشش می‌دهد.

۴ - ۲ - الگوی سنجش نتایج رفتارهای سه‌گانه: مبتنی بر اطلاعات جدولهای (۱، ۲، ۳)، الگوی سنجش چهار سطحی نتایج رفتارهای سه‌گانه، ترسیم شده است (نمودار ۱). با توجه به این که بخل و اسراف نقطه مقابل همدیگر و میانه‌روی، حد وسط بخل و اسراف است (صادقی مال امیری، ۱۳۹۲)، نتایج این رفتارهای سه‌گانه در قالب یک پیوستار به تصویر کشیده شده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، نتایج هر کدام از رفتارهای سه‌گانه با دو بُعد نتایج فردی و نتایج اجتماعی سنجیده می‌شود. هم‌چنین هر کدام از نتایج فردی و اجتماعی در هر یک از رفتارهای سه‌گانه توسط دو عامل نتایج دنیوی و اخروی سنجش، و در نهایت هر کدام از عوامل نتایج دنیوی و اخروی توسط مجموعه‌ای از شاخصها، سنجش می‌شوند.



نمودار شماره ۱: الگوی سنجش نتایج رفتارهای سه‌گانه بخل، میانه‌روی و اسراف

۴ - ۳ - کمیت نتایج رفتارهای سه گانه: مبتنی بر یافته‌های جدولهای (۱، ۲، ۳) و نمودار (۱)، کمیت نتایج رفتارهای سه گانه به تفکیک ابعاد و عوامل ارائه شده است (جدول ۴). برای رفتارهای سه گانه، ۱۴۰ نتیجه مشخص شده است. بخل ۳۱٪، میانه روی ۴۳٪ و اسراف ۲۶٪، نتایج را به خود تخصیص می‌دهد. از مجموع نتایج، ۸۳٪ فردی (۸۲٪ دنیوی و ۱۸٪ اخروی) و ۱۷٪ اجتماعی (۷۵٪ دنیوی و ۲۵٪ اخروی) است. از مجموع نتایج، ۸۱٪ دنیوی و ۱۹٪ اخروی است. از میان ۴۳ نتیجه بخل، ۸۴٪ فردی (۷۸٪ دنیوی و ۲۲٪ اخروی) و ۱۶٪ اجتماعی (۷۱٪ دنیوی و ۲۹٪ اخروی) است. از میان ۶۰ نتیجه میانه روی، ۸۲٪ فردی (۸۲٪ دنیوی و ۱۸٪ اخروی) و ۱۸٪ اجتماعی (۸۲٪ دنیوی و ۱۸٪ اخروی) است. از میان ۳۷ نتیجه اسراف، ۸۴٪ فردی (۸۷٪ دنیوی و ۱۳٪ اخروی) و ۱۶٪ اجتماعی (۶۷٪ دنیوی و ۳۳٪ اخروی) است.

جدول شماره ۴: کمیت نتایج رفتارهای سه گانه

ابعاد	عوامل	بخل	میانه روی	اسراف	جمع کل
فردی	دنیوی	۲۸	۴۰	۲۷	۹۵
	فراوانی نسبی	٪۷۸	٪۸۲	٪۸۷	٪۸۲
	اخروی	۸	۹	۴	۲۱
	فراوانی نسبی	٪۲۲	٪۱۸	٪۱۳	٪۱۸
	جمع	۳۶	۴۹	۳۱	۱۱۶
	فراوانی نسبی	٪۸۴	٪۸۲	٪۸۴	٪۸۳
اجتماعی	دنیوی	۵	۹	۴	۱۸
	فراوانی نسبی	٪۷۱	٪۸۲	٪۶۷	٪۷۵
	اخروی	۲	۲	۲	۶
	فراوانی نسبی	٪۲۹	٪۱۸	٪۳۳	٪۲۵
	جمع	۷	۱۱	۶	۲۴
	فراوانی نسبی	٪۱۶	٪۱۸	٪۱۶	٪۱۷
جمع کل	فراوانی	۴۳	۶۰	۳۷	۱۴۰
	فراوانی نسبی	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰

در هر سه نوع رفتار، نتایج فردی از نتایج اجتماعی بسیار بیشتر و تقریباً این نسبت در هر سه نوع رفتار برابر است. به این صورت که نتایج هر کدام از رفتارهای سه گانه در حدود ۵ برابر نتایج اجتماعی آنهاست. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که نتایج و آثار هر کدام از رفتارهای سه گانه عمدتاً به خود عامل این رفتارها بر می‌گردد.

در هر سه نوع رفتار، نتایج فردی دنیوی از نتایج فردی اخروی آنها بسیار بیشتر است. به این صورت که نتایج فردی دنیوی بخل و میانه‌روی حدود چهار برابر نتایج فردی اخروی آنهاست و نتایج فردی دنیوی اسراف حدود هفت برابر نتایج فردی اخروی آن است. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که نتایج هر کدام از رفتارهای سه‌گانه عمدتاً به خود عامل این رفتارها آن هم عموماً در دنیا بر می‌گردد.

هم‌چنین در هر سه نوع رفتار، عموماً نتایج اجتماعی از نوع دنیوی است. به این صورت که نتایج اجتماعی دنیوی بخل حدود سه برابر نتایج اجتماعی اخروی آن، نتایج اجتماعی دنیوی میانه‌روی حدود پنج برابر نتایج اجتماعی اخروی آن و نتایج اجتماعی دنیوی اسراف حدود دو برابر نتایج اجتماعی اخروی آن است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که رفتارهای سه‌گانه نه تنها نتایج و آثار بسیار کمی برای دیگران دارد؛ بلکه این نتایج عمدتاً دنیوی است.

البته باید توجه کرد که این نتایج مثبتی بر تحلیل کمی یافته‌ها (تعداد نتایج) بوده است. هر چند از نظر کمی، نتایج اخروی هر کدام از رفتارهای سه‌گانه محدود است، اما از نظر کیفی، شدت آنها بسیار عظیم می‌تواند باشد؛ برای نمونه یکی از نتایج اخروی بخل و اسراف، جهنم است؛ هر چند این خود از نظر کمی محدود است، شدت و سختی آن با عذابهای دنیوی قابل مقایسه نیست. در این زمینه خداوند در چندین آیه؛ شدت، سختی و ماندگاری عذاب جهنم را بیان می‌کند (فرقان/ ۶۵؛ طه/ ۱۲۷؛ زخرف/ ۷۷؛ غافر/ ۴۹؛ کهف/ ۲۹؛ نساء/ ۵۶؛ مؤمنون/ ۱۰۴؛ حج/ ۱۹).

۴-۴- کمیت منابع حمایت‌کننده از نتایج رفتارهای سه‌گانه: بر اساس یافته‌های جدولهای (۱، ۲، ۳)، کمیت منابع حمایت‌کننده از نتایج رفتارهای سه‌گانه به تفکیک ابعاد و عوامل در جدول (۵)، ارائه شده است. از نتایج رفتارهای سه‌گانه، ۳۰۰ منبع حمایت می‌کند (۲۷٪ از نتایج بخل، ۴۵٪ از نتایج میانه‌روی و ۲۸٪ از نتایج اسراف). این نتیجه نشان می‌دهد که در آموزه‌های اسلامی بر نتایج رفتارهای مثبت نظیر میانه‌روی نسبت به نتایج رفتارهای منفی نظیر نتایج بخل و اسراف تأکید بیشتری شده است. از مجموع منابع، ۹۰٪ از نتایج فردی (دنیوی ۷۸٪ و اخروی ۲۲٪) و ۱۰٪ از نتایج اجتماعی (۹۳٪ دنیوی و ۷٪ اخروی)، حمایت می‌کند. از مجموع منابع، ۸۰٪ از نتایج دنیوی و ۲۰٪ از نتایج اخروی حمایت می‌کند.

از ۸۲ منبع حمایت‌کننده از نتایج بخل، ۸۴٪ از نتایج فردی (دنیوی ۷۸٪ و اخروی ۲۲٪) و ۱۶٪ از نتایج اجتماعی (۹۲٪ دنیوی و ۸٪ اخروی) حمایت می‌کند. از ۱۳۵ منبع حمایت‌کننده از نتایج

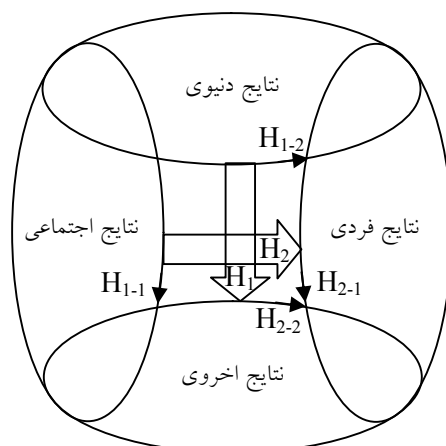
میان‌روی، ۹۲٪ از نتایج فردی (۷۱٪ دنیوی و ۲۹٪ اخروی) و ۸٪ از نتایج اجتماعی (۹۰٪ دنیوی و ۱۰٪ اخروی) حمایت می‌کند. از ۸۳ منبع حمایت‌کننده از نتایج اسراف، ۹۴٪ از نتایج فردی (۹۰٪ دنیوی و ۱۰٪ اخروی) و ۶٪ از نتایج اجتماعی (۱۰۰٪ دنیوی و ۰٪ اخروی) حمایت می‌کند.

جدول شماره ۵: کمیت منابع حمایت‌کننده (آیات و روایت) از نتایج رفتارهای سه‌گانه

ابعاد	عوامل	بخل	میان‌روی	اسراف	جمع کل
فردی	دنیوی	۵۴	۸۸	۷۰	۲۱۲
	فراوانی نسبی	٪۷۸	٪۷۱	٪۹۰	٪۷۸
	اخروی	۱۵	۳۶	۸	۵۹
	فراوانی نسبی	٪۲۲	٪۲۹	٪۱۰	٪۲۲
	جمع	۶۹	۱۲۴	۷۸	۲۷۱
	فراوانی نسبی	٪۸۴	٪۹۲	٪۹۴	٪۹۰
اجتماعی	دنیوی	۱۲	۱۰	۵	۲۷
	فراوانی نسبی	٪۹۲	٪۹۰	٪۱۰۰	٪۹۳
	اخروی	۱	۱	۰	۲
	فراوانی نسبی	٪۸	٪۱۰	٪۰	٪۷
	جمع	۱۳	۱۱	۵	۲۹
	فراوانی نسبی	٪۱۶	٪۸	٪۶	٪۱۰
جمع کل	فراوانی	۸۲	۱۳۵	۸۳	۳۰۰
	فراوانی نسبی	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰

۴-۵- الگوی ساختاری نتایج رفتارهای سه‌گانه: علاوه بر الگوی سنجش، الگوی ساختاری

نتایج رفتارهای سه‌گانه، که بیانگر روابط علی و ساختاری میان متغیرهای تحقیق است، ترسیم شده است (نمودار ۲). این الگو به دو گزاره اصلی و چهار گزاره فرعی از نوع فرضیه متکی است. H1: نتایج دنیوی بر نتایج اخروی تأثیر می‌گذارد؛ H1-1: نتایج دنیوی اجتماعی بر نتایج اخروی اجتماعی تأثیر می‌گذارد، H2-1: نتایج دنیوی فردی بر نتایج اخروی فردی تأثیر می‌گذارد، H2: نتایج اجتماعی بر نتایج فردی تأثیر می‌گذارد؛ H1-2: نتایج اجتماعی دنیوی بر نتایج فردی دنیوی تأثیر می‌گذارد، H2-2: نتایج اجتماعی اخروی بر نتایج فردی اخروی تأثیر می‌گذارد. همان‌طور که الگوی ساختاری تحقیق نشان می‌دهد، تمامی نتایج هر کدام از رفتاری سه‌گانه چه در دنیا و چه در آخرت به فرد عامل رفتار بر می‌گردد.

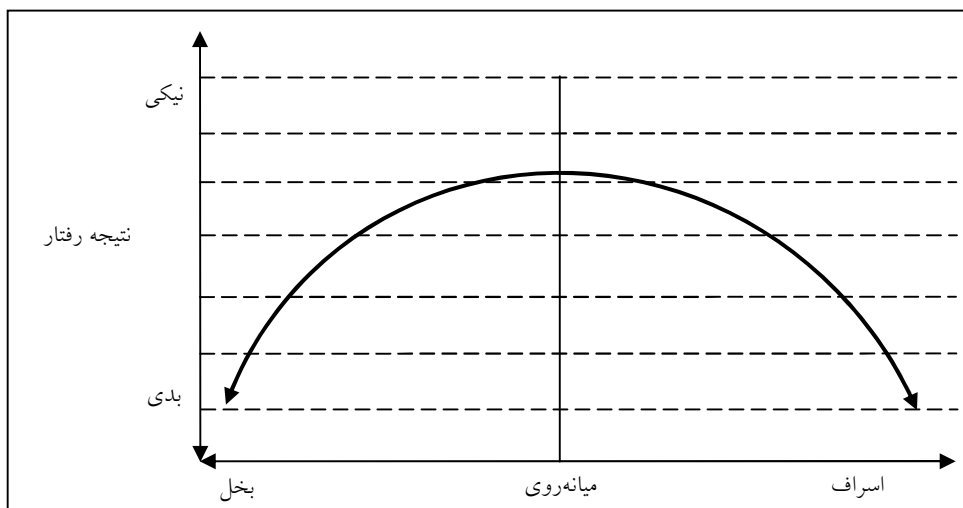


نمودار شماره ۲: الگوی ساختاری نتایج هر کدام از رفتارهای سه گانه

۴ - ۶ - رابطه بین رفتارهای سه گانه و نتایج آنها: می توان گفت معطوف به چنین نتایج و پیامدهایی (جدولهای ۱، ۲ و ۳، ۴، ۵ و نمودارهای ۱ و ۲) است که از بخل و اسراف نهی و به میانه روی تشویق و ترغیب شده است.

در مجموع، باید توجه کرد که نه تنها انسان بلکه تمامی موجودات نظیر گیاهان و سایر حیوانات برای رشد و نمو و سلامت، به منابع در حد آستانه کفایت نیاز دارند و دریافت منابع کمتر یا بیشتر از این حد، سلامت و پیشرفت بهینه و مناسب را از آنها سلب می کند؛ لذا بخل نورزیدن و اسراف نکردن قبل از اینکه هدر ندادن منابع باشد، موجب بسط و گسترش روح و روان خویشتن خویش است. در نتیجه، میانه روی و نداشتن بخل و اسراف در هر زمینه ای و حتی در مورد منابع غیر کمیاب، عنصر سوق دهنده انسان به سمت کمال است.

سرانجام اینکه میانه روی سوق دهنده به سمت وسوی نیکی، و بخل و اسراف هر کدام به طریقی سوق دهنده به سوی بدی است؛ بخل از طریق تفریط و اسراف به شیوه افراط، انسان را از مدار اصلی خود (میانه روی در زندگی) خارج می سازد. به هر میزان که انسان از میانه روی فاصله گیرد و به بخل و یا اسراف نزدیک شود به همان میزان از نیکی فاصله می گیرد و به بدی و سیئات نزدیک می شود (نمودار ۳).



نمودار شماره ۳: رابطه بین رفتارهای سه‌گانه و نتایج آنها

۴ - ۷ - پیشنهادها: مطابق با این آیه قرآن که یادآوری می‌کند اگر نیکي کردید به خود کردید و اگر بدی کردید باز به خود کرده‌اید (اسراء / ۷)، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نه تنها بیشتر نتایج هر کدام از رفتارهای سه‌گانه، فردی است (بخل با نتایج فردی ۸۴٪، میانروی با نتایج فردی ۸۲٪ و اسراف با نتایج فردی ۸۴٪)، بلکه همان‌طور که الگوی ساختاری تحقیق (نمودار ۲) نشان می‌دهد همه نتایج هر کدام از رفتارهای سه‌گانه چه در دنیا (تحت تأثیر نتایج دنیوی اجتماعی) و چه در آخرت (تحت تأثیر نتایج فردی دنیوی و نتایج اجتماعی اخروی)، نهایتاً به خود فرد یعنی عامل رفتار بر می‌گردد؛ لذا باید هوشیار بود که در حقیقت میانروی، نیکي به خویش است و بخل و اسراف، بدی در حق خود است با این تفاوت که با توجه به این گفته خداوند که می‌فرماید به نیکي پاداش مضاعف داده می‌شود و به بدیها به میزان بدی مجازات می‌کند (انعام / ۱۶۰)، می‌توان گفت به میانروی که از نیکيهاست از سوی پروردگار پاداش مضاعف داده می‌شود و در مقابل بخل و اسراف که از بدیها و سیئات است به همان اندازه کیفر در پی دارد. شاید بتوان گفت اینکه نتایج تحقیق نشان می‌دهد، خروجیهای میانروی از خروجیهای بخل و اسراف بیشتر است در همین راستا قابل تحلیل باشد.

بنابراین معطوف به نتایج تحقیق به‌ویژه الگوهای اندازه‌گیری و ساختاری، چنانچه رفتار بخیلانه یا مسرفانه باشد، باید در رفتار خود بازنگری، و با تضعیف چنین رفتارهایی به سمت وسوی رفتار میان‌رویی حرکت کرد؛ زیرا هر کس به نتایج و سرانجام رفتارهای سه‌گانه توجه کند از بخل و اسراف فاصله می‌گیرد و به میان‌رویی نزدیک می‌شود.

در نهایت، نه تنها پژوهشگران می‌توانند نتایج تحقیق را به سطوح سازمانی و ملی، توسعه دهند، بلکه می‌توانند نتایج هر کدام از رفتارهای سه‌گانه را مورد پژوهش قرار داده و ابعاد و جوانب آنها را مشخص و تشریح کنند.

منابع فارسی و عربی

- قرآن کریم. ترجمه مکارم شیرازی (۱۳۸۸). قم: اسوه.
- امام سجاد (ع) (۹۵ ه.ق). رساله حقوق. چاپ دوم. ترجمه علی شیروانی (۱۳۹۲). قم: دارالفکر.
- امام سجاد (ع) (۹۵ ه.ق). صحیفه سجادیه. ترجمه محمد مهدی رضایی. قم: جمال
- آمدی، عبدالواحد (۵۱۰). غررالحکم و دررالحکم. ترجمه محمد علی انصاری قمی (۱۳۷۷). تهران.
- ابن حیون، نعمان بن محمد (۱۳۸۹ ه.ق). دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام. تحقیق آصف بن علی اصغر فیضی. قاهره: دارالمعارف.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (قرن چهارم ق). تحف العقول. ترجمه بهزاد جعفری (۱۳۸۰). تهران: اسلامیه.
- أبی الفتوح رازی (قرن ششم ه.ق). تفسیر روض الجنان و روح الجنان. تصحیح شعرانی (۲۵۳۶). قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البيت (ع).
- اعتصامی، پروین (۱۳۲۰). دیوان اشعار. تهران: گنجینه.
- الوانی، مهدی (۱۳۹۱). بهره‌وری در پرتو رفتار سازمانی مثبت‌گرا. فصلنامه مدیریت توسعه و تحول، دوره ۴، شماره ۸: ۱-۶.
- برقی، احمد ابن محمد ابن خالد (۱۳۷۱). المحاسن. ج دوم. قم: الاسلامیه.
- بن ابی فراس، ورام (۶۰۵ ه.ق). تنبیه الخواطر و نزهة النواظر مجموعه ورام. مشهد: آستان قدس.
- پابنده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحه؛ مجموعه کلمات قصار حضرت رسول. تهران: دنیای دانش.
- تهرانی، مجتبی (۱۳۸۰). کیش پارسایان. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حجازی، سید مهدی (۱۴۱۹ ق). درر الأخبار. ترجمه سید علیرضا حجازی و محمد عیدی خسروشاهی. قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۱۰۴ ق). وسائل الشیعه. قم: آل‌البيت (ع).
- حسینی، محمدحسن (۱۳۷۸). نوسازی جامعه از دیدگاه امام خمینی. تهران: عروج.

- حکیم، سید محمدتقی (۱۳۶۰). پیام پیامبر. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی و مسعود انصاری (۱۳۷۶). تهران: منفرد.
- حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی (۱۳۷۱). الحیاة. ترجمه احمد آرام (۱۳۸۰). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۸). شرح حدیث جنود عقل و جهل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خوانساری، جمال‌الدین (۱۱۲۵ ق). شرح غررالحکم. تهران: دانشگاه تهران.
- دیلمی، ابو شجاع (۵۰۹ ق). فردوس الاخبار. بیروت: دارالفکر.
- دیلمی، حسن بن ابی الحسن (۸۴۱ ق). ارشاد القلوب. ترجمه علی سلگی نهاوندی، (۱۳۷۶). قم: شریف رضی.
- رضایی، سید عبدالحسین (۱۳۶۴). الروضة در مبانی اخلاق. تهران: اسلامیة.
- رضی، محمد ابن حسین (۴۰۶ ق). نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی (۱۳۷۹). قم: مشهور.
- سعدی شیرازی، مصلح‌الدین (۷۹۲). گلستان. تهران: سرایش.
- سیوطی، جلال‌الدین (قرن دهم ه ق). الدرالمثور. قم: کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی.
- شعیری، تاج‌الدین (۱۴۰۵ ق). جامع الاخبار. قم: رضی.
- صابری یزدی، علی‌رضا (۱۴۰۵ ق). الحکم الزاهرة. ترجمه محمدرضا انصاری محلاتی (۱۳۷۵). قم: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- صادقی‌مال‌امیری، منصور (۱۳۹۲). طراحی مدل تحلیل رفتار مصرف‌کننده بر اساس آموزه‌های اسلام. مجله علمی پژوهشی اندیشه مدیریت راهبردی، دوره ۷، شماره ۱: ۱۵۶-۱۲۳.
- صادقی‌مال‌امیری، منصور (۱۳۹۳). رفتارهای سه گانه بخل، میانه روی و اسراف از دیدگاه سیستمی. دو فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی، دوره ۲۲، شماره ۱: ۱۶۶-۱۴۱.
- صدوق، ابن بابویه (۳۸۱۵ ق). الخصال. ترجمه یعقوب جعفری، (۱۳۸۲). قم: نسیم کوثر.
- صدوق، ابن بابویه (۳۸۱۵ ق). عیون أخبار الرضا (ع). ترجمه محمدتقی آقا نجفی اصفهانی (۱۳۶۱). تهران: علمیه اسلامیة.
- صدوق، ابن بابویه (۳۸۱۵ ق). من لا یحضره الفقیه. ترجمه علی‌اکبر غفاری، (۱۳۶۷). تهران: صدوق.
- صدوق، ابن بابویه (۳۸۱۵ ق). اعتقادات. ترجمه سید محمدعلی حسینی (۱۳۷۱). قم: علمیه اسلامیة.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن (قرن ششم ق). مکارم الأخلاق. ترجمه سید ابراهیم میرباقری (۱۳۶۵). تهران: فراهانی.
- طوسی، محمد بن حسن (۴۶۰). امالی. قم: دارالثقافه.
- عطائی، محمدرضا (۱۳۶۹). مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام. مشهد: آستان قدس
- عطاردی، عزیز الله (۱۳۷۴). مشکاة الانوار. تهران: عطارد.
- غفاری ساروی، حسین (۱۳۷۵). آیین بندگی و نیایش. قم: بنیاد معارف اسلامی.

- فلسفی، محمدتقی (۱۳۶۸). *الحديث - روایات تربیتی*. چاپ سوم. تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- فیض کاشانی، محمدحسن (۱۰۹۱ ق). *المحججه البيضاء*. تهران: مکتبه الصدوق.
- قاضی قضاعی (۴۵۴). *شهاب الأخبار*. ترجمه قاضی (۱۳۶۱). تهران: علمی و فرهنگی. قاضی، ۴۵۴
- قمی، عباس (۱۳۱۹). *سفینه البحار*. تهران: بحار.
- کلینی، محمد ابن یعقوب (۳۲۹ ق). *اصول کافی*. ترجمه جواد مصطفوی (۱۳۸۲). ج ۱، ۲، ۳، ۴. تهران: وفا.
- متقی هندی، علاءالدین (۸۷۵ ق). *کنز العمال فی احادیث الاقوال و الانفعال*. بیروت: مؤسسه الرساله.
- مجدی، سید عطاءالله (۱۳۶۹). *گل های جاویدان (هزار کلمه قصار)*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۱۱۰). *بحار الانوار*. تهران: کتابخانه مسجد ولی عصر.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۹). *میزان الحکمه*. ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: مؤسسه فرهنگی دارالحديث.
- مراغی، یعقوب (۱۳۸۱). *طب النبی (ص) و طب الصادق (ع) - روش تندرستی در اسلام*. قم: مؤمنین.
- مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۸۷ ق). *نصایح*. ترجمه احمد جنتی اصفهانی. قم: مهر قم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). *آشنایی با علوم اسلامی (کلام - عرفان - حکمت عملی)*. ج ۲. تهران: صدرا.
- مفید، محمد بن نعمان (۴۱۳). *امالی*. ترجمه حسین استادولی (۱۳۶۴). مشهد: آستان قدس.
- نائیچی، محمدحسین (۱۳۸۱). *آداب راز و نیاز به درگاه بی نیاز*. تهران: کیا.
- نراقی، احمد (۱۲۴۵ ه ق). *عوائد الایام*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نراقی، محمد مهدی (۱۲۰۹). *جامع السعادات*. ترجمه کریم فیضی (۱۳۸۵). قم: قائم آل محمد (ص).
- نوری، حسین (۱۴۰۸). *مستدرک الوسایل*. قم: آل البيت (ع).

منابع انگلیسی

- Allen, T. D., & Rush, M. C. (1998). The effects of citizenship behavior on performance judgments: A field study and a laboratory experiment. *Journal of Applied Psychology*, 83, 247-260.
- and organizational - level consequences of organizational citizenship behaviors: A meta - analysis. *Journal of Applied Psychology*, 94, 122-141.
- Berber Aykut and Rofcanin Yasin (2012). Investigation of Organization Citizenship Behavior Construct A Framework for Antecedents and Consequences. *International Journal of Business and Social Research (IJBSR)*, Volume -2, No.-4.
- Bolino, MC Turnley, WH (2005). The personal costs of citizenship behavior: The relationship between individual initiative and role overload, job stress, and work-family conflict. *Journal of Applied Psychology*, 90, 740-748.
- Brockner, Joel (1988). *Self-esteem at work: Research, theory and practice*. Lexington, MA: Lexington Books
- Bycio, P. (1992). Job performance and effects on absenteeism: A review and meta-analysis. *Human Relations*, 45, 112-119.
- Carson, K. D., & Carson, P. P. (1998). Career commitment, competencies, and citizenship. *Journal of Career Assessment*, 6, 95-208.
- Chang, C.S. and Chang, H.C. (2010), "Moderating effect of nurses' customer-oriented perception between organizational citizenship behaviors and satisfaction", *Western*

- Journal of Nursing Research**, vol. 32, no. 5, pp. 628–643.
- Chen , X.-P. Hui , C. Sejo , DJ (1998). The role of organizational citizenship behavior in turnover: Conceptualization and preliminary tests of key hypotheses. **Journal of Applied Psychology**, 83, 922-931.
- Demby, E. R. (2004) Do your family-friendly programs make cents?. **HR Magazine**, 49(1): 75-79.
- Ehrhart, M. G. (2004). Leadership and procedural justice climate as antecedents of unit level organizational citizenship behavior. **Personnel Psychology**, 57, 61-94.
- Feather, N.T., & Rauter, K.A. (2004). Organizational citizenship behaviors in relation to job status, job insecurity, organizational commitment and identification, job satisfaction and work values. **Journal of Occupational and Organizational Psychology**, 77, 81-94.
- Gaudine AP, Saks AM (2001). Effects of absenteeism feedback intervention on employee absence behavior. **Journal of Organizational Behavior**; 22(1): 15-29.
- Graham, J. (1994)." An essay on organizational citizenship behavior " , **Journal of Employee Responsible Rights**, Vol.4, pp.249-270,1994.
- Hersey P. , K. Blanchard(1993); **Management of organizational behavior**: Utilizing human resources. (6th ed.)Prentice Hall, Inc, Englewood Cliffs, NJ
- Judge, T. A., Thoresen, C. J., Bono, J. E., & Patton, G. K. (2001). The job satisfaction–job performance relationship: a qualitative and quantitative review. **Psychological Bulletin**, 127, 376–407.
- Karambayya, R. (1990). **Contexts for organizational citizenship behavior**: Do high performing and satisfying units have better 'citizens'. York University working paper.
- Ko, Y.K. (2008), "Identification of factors related to hospital nurses' organizational citizenship behavior using a multilevel analysis", **Journal of Korean Academy of Nursing**, vol. 38, pp. 287–297.
- Koys, D. J. (2001). The effects of employee satisfaction, organizational citizenship behavior, and turnover on organizational effectiveness: a unit-level, longitudinal study. **Personnel Psychology**, 54, 101–114.
- Kuiper, A. Nicolas and Joan, L. Olinger (1989). Stress and cognitive vulnerability for depression: A self-worth contingency model. In R. W. Neufeld (Ed.), **Advances in the investigation of psychological stress**, 367-391. New York: Wiley
- Lee, U.H., Kim, H.K., & Kim, Y.H. (2013). Determinants of Organizational Citizenship Behavior and Its Outcomes. **Global Business and Management Research: An International Journal**, 5(1), 54-65.
- Lowery, C. M., & Krilowicz, T. J(1994). Relationships among nontask behaviors, rated performance, and objective performance measures. **Psychological Reports**, 74: 571- 578.
- Luthans, F. (2002b). The need for and meaning of positive organizational behavior. **Journal of Organizational Behavior**, 23(6), 695-706.
- Luthans, F. 2002a. The need for and meaning of positive organizational behavior. **Journal of Organizational Behavior**, 23: 695-706.
- MacKenzie, S. B., Podsakoff, P. M., & Fetter, R. (1991). Organizational citizenship behavior and objective productivity as determinants of managerial evaluations of salespersons' performance. **Organizational Behavior and Human Decision Processes**, 50, 123–150.
- MacKenzie, S. B., Podsakoff, P.M., & Fetter, R.(1993).The impact of organizational citizenship behavior on evaluations of sales performance. **Journal of Marketing**, 57, 70-80.
- Mackenzie, S. B., Podsakoff, P. M., & Paine, J. B. 1999. Do citizenship behaviors matter more for managers than for salespeople? **Journal of the Academy of Marketing Science**, 27: 396- 410.
- MacKenzie, S. B., Podsakoff, P. M., & Rich, G. A. (1999). Transformational and transactional leadership and salesperson performance. **Working paper**, Indiana University.

- Miles Robert H (1980). **Macro organizational behavior**. Published by Goodyear Pub. Co,
- Moorhead, G & Griffin, R. G (2004). **Organizational Behavior: Managing people and organizations**, 8th edition, : Houghton Mifflin Co, Boston, AM.
- Nelson, D., & Cooper, C. L(2007). **Positive organizational behavior: Accentuating the positive at work**. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Organ, D. W(1988). **Organizational citizenship behavior: The good soldier syndrome**. Lexington, MA: Lexington- ton Books
- Organ, D. W., Podsakoff, P. M., & MacKenzie, S. B. (2006). **Organizational citizenship behavior: Its nature, antecedents, and consequences**. USA: Sage Publications, Inc.
- Pierce, Jon L., Donald G. Gardner, Randall, B. Dunham and Larry, L. Cummings (1993). The moderating effects of organization-based self-esteem on role condition-employee response relationship. **Academy of Management Journal**, 36, 271-288.
- Pierce, Jon L., Donald, G. Gardner, Larry, L. Cummings and Randall, B. Dunham (1989). Organization-based self-esteem: Construct definition, measurement, and validation. **Academy of Management Journal**, 32, 622-645.
- Podsakoff PM, MacKenzie SB, Paine JB, Bachrach DG. (2000). Organizational citizenship behaviors: A critical review of the theoretical and empirical literature and suggestions for future research. **Journal of Management**, 26,513-563.
- Podsakoff, N.P., Whiting, S.W., Podsakoff, P.M., & Blume, B.D. (2009). Individual -
- Podsakoff, P. M., & MacKenzie, S. B. (1994). Organizational citizenship behaviors and sales unit effectiveness. **Journal of Marketing Research**, 31, 351-363.
- Podsakoff, P. M., Ahearne, M., & MacKenzie, S. B. (1997). Organizational citizenship behavior and the quantity and quality of work group performance. **Journal of Applied Psychology**, 82, 262-270.
- Podsakoff, P. M., MacKenzie, S. B., & Bommer, W. H(1996). A meta-analysis of the relationships between Kerr and Jermier's substitutes for leadership and employee job attitudes, role perceptions, ... **Journal of Applied Psychology**, 81: 380-399
- Podsakoff, P. M., MacKenzie, S. B., & Hui, C. (1993). Organizational citizenship behaviors and managerial evaluations of employee performance: A review and suggestions for future research. In G. R. Ferris & K. M. Rowland (Eds.), **Research in personnel and human resources management** (Vol. 11, pp. 1-40). Review, 76, 83-97.
- Robbins, Stephen P(2004). **Organizational Behavior - Concepts, Controversies, Applications**. 4th Ed. Prentice Hall.
- Rucci, A. J., Kim, S. P., & Quinn, R. T. (1998). **The employee-customer profit chain at Sears**. Harvard Business.
- Tafarodi, Romin W. and William B. Swann, Jr. (1995). Self-Liking and self-Competence as Dimensions of Global Self-Esteem: Initial Validation of a Measure. **Journal of Personality Assessment**, 65(2), 322-342
- Walz, S. M., & Niehoff, B. P. (2000). Organizational citizenship behaviors: Their relationship to organizational effectiveness. **Journal of Hospitality and Tourism Research**, 24, 301-319.
- Winterton, J. (2004) 'A Conceptual Model of Labour Turnover and Retention', **Human Resource Development International**, 7: 371-390.
- Youssef, Carolyn M. and Luthans, Fred, " (2007). "Positive Organizational Behavior in the Workplace: The Impact of Hope, Optimism, and Resilience. **Management Department Faculty Publications**. Paper 36.

